

درگیری در بلوچستان

گفته گذشته روزنامه ایندیندنت چاپ لندن گزارش داد که بین شورشیان بلوچ و سپاه پاسداران درگیری شدیدی رخ داده است و در این درگیری بیش از یکصد پاسدار کشته و زخمی شده و عده زیادی از آنان به اسارت بلوچ‌ها درآمده‌اند.

امان‌الله بلوچ یکی از رهبران نیروهای مخالف دولت در بلوچستان اعلام کرده است در تیرماه یکده در طی سال‌های اخیر در بلوچستان روی داده است. دست‌کم بیست هلیکوپتر سپاه پاسداران سرنگون شده است. به گفته امان‌الله بلوچ، محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران

از پاکستان درخواست کرده است که به ایران برای سرکوب نیروهای بلوچ کمک کند. به گفته او این احتمال وجود دارد که نیروهای نظامی ایران و پاکستان از دو طرف به حمله علیه نیروهای بلوچ مبادرت ورزند و ماجرای حلبچه در مورد بلوچ‌ها تکرار شود.

امان‌الله بلوچ از محافل بین‌المللی خواست که مانع قتل عام مردم بلوچ توسط رژیم‌های ایران و پاکستان شوند.

در تهران نوری وزیر کشور اعلام داشته است که نیروهای انتظامی، ساکنان روستاهای مرزی بلوچستان را کوچانده و آنان را در مناطق دورتری اسکان

طرح کاهش تسلیحات منطقه

گفته پیش نمایندگان ۵ کشور آمریکا، شوروی، چین، فرانسه و انگلیس (اعضای دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد) در اجلاس در پاریس طرح کاهش تسلیحات در منطقه خاور میانه را مورد بررسی و توافق مقدماتی قرار دادند. در پی اعلام موضوع فوق، "شوروی عالی امنیت ملی" رژیم به ریاست رفسنجانی رئیس جمهور با شرکت اعضا و مشاورین سیاسی و حضور فرماندهان عالی‌رتبه نظامی تشکیل جلسه داد و مراتب نگرانی و اعتراض خود را نسبت به آن اعلام داشت.

شورای عالی امنیت ملی با تاکید بر وجود "ابهامات و تناقضات" موجود در طرح و اینکه در آن مسئله کاهش تسلیحات منطقه جدا از کاهش کلی سلاح در جهان در نظر گرفته شده است و گویا استثنایی برای این یا آن کشور منطقه قائل است، آن را مورد تردید قرار داده است. خامنه‌ای طرح کاهش سلاح را توطئه آمریکا و استکبار برای سلطه بر منابع نفتی منطقه دانست و رفسنجانی بارد کارگردانی آمریکا در طرح بر انجام در میزان و نوع سلاح انگشت گذاشت و مدعی شد که طرح چرخاوریانه را شامل می‌شود. محسن رضایی فرمانده کل سپاه پاسداران نیز در پایان دیدار ۵ روزه خود از پاکستان تصریح کرد که همکاری پاکستانی او نیز در مخالفت با طرح با او اشتراک نظر دارد زیرا طرح بویژه هردو کشور ایران و پاکستان مورد نظر دارد.

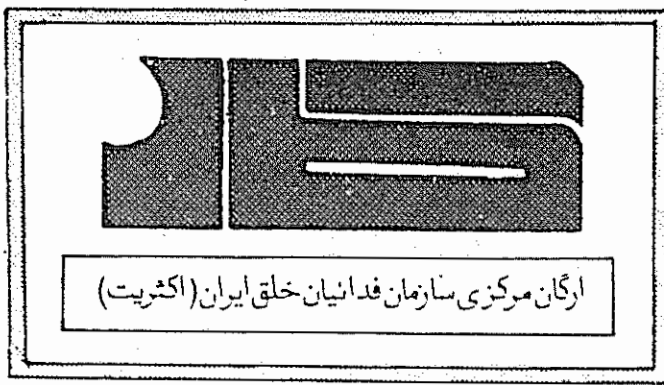
با قبول اینکه کشورهای صادرکننده اسلحه تاکنون سرازیر کردن سلاح به کشورهای منطقه را تنها با تامین منافع خود می‌کردند و توجیهی به منافع و مصالح ملی این کشورها

شورای عالی امنیت ملی

عالی‌ترین ارگان

استبداد فقهاتی

در ساختار حکومتی جمهوری اسلامی، شورای عالی امنیت ملی عالی‌ترین ارگان تصمیم‌گیرنده است. تمامی تصمیمات مهم مربوط به سیاست خارجی، دفاعی و امنیتی در این ارگان گرفته می‌شود. علاوه بر این تصمیم مربوط به قراردادها مهم خارجی، معاملات تسلیحاتی و بسیاری از مسائل مربوط به سیاست داخلی در این ارگان حل و فصل می‌شود. رهبری این ارگان بار رفسنجانی است که در هماهنگی با خامنه‌ای امور مربوط به شورای عالی امنیت ملی را گرداندگی می‌کند. عملکرد این شورا ناقص و وظایف و مسئولیت هیات دولت است. مطابق



چهارشنبه ۹ مرداد ماه ۱۳۷۵
۳۱ ژوئیه ۱۹۹۱ دور سوم شماره ۱۶

داده‌اند. نوری مدعی شد که این اقدام برای مقابله با تاج‌تاجیان مواد مخدر صورت گرفته است. رژیم جمهوری

اسلامی همواره سرکوب مردم بلوچستان را تحت پوشش مبارزه با قاچاقچیان پیش برده است.

شایعه بروز زلزله در تهران

زلزله

مردم ایجاد این گسل‌ها را ناشی از شدت گرفتن حرکت لایه‌های زمین دانستند که زلزله را در پی خواهد داشت. موسسه ژئوفیزیک تهران نیز این احتمال را تکذیب نکرد. در نتیجه در تهران دسته و سعی از مردم در هراس از زلزله شب‌ها در بیرون از خانه‌ها در پارک‌ها و میدان‌ها خوابیدند. حبیبی معاون رئیس جمهور در مصاحبه با رسانه‌ها کوشید از اضطراب مردم بکاهد، وی با انتقاد از رسانه‌ها، پخش این خبر را هلت اضطراب مردم نامید.

پخش خبر احتمال بروز زلزله در تهران، اضطراب و وحشت مردم پایتخت گردید. احتمال بروز زلزله در تهران که نخستین بار از برنامه فارسی برخی رادیوهای خارجی اعلام گردید، در برخی از رسانه‌های کشور نیز بازتاب یافت. از آنجاکه کمی پیش از پخش این خبر، در برخی مناطق استان مرکزی جابجایی زمین به ایجاد گسل‌های همیتی منجر شده بود، حدس وقوع زلزله قوت بیشتری گرفت.

تظاهرات گسترده در تهران

تظاهرات در اصنام نیز دریافت شده است. نشریه کار خواهد کوشید در شماره آینده گزارش تظاهرات مردم تهران را که نشانه شدت ناراضی‌های رو به افزایش توده‌های وسیع مردم از سران حکومت و نمودی از گسترش روحیه مبارزه جویانه در جامعه است، منعکس سازد.

تنظیم این خبر گزارشی از درگیری بین مردم و نیروهای انتظامی و تلفات احتمالی به دست مانرسیده است. در همین روز دوشنبه، در میدان توپخانه تهران، بین طرفداران مسلح جناح‌های حکومتی درگیری بوقوع پیوسته و آنان بسوی یکدیگر آتش گشوده اند. گزارش‌هایی مبنی بر وقوع

است. خبرگزاری آلمان گستردگی این تظاهرات را از سال ۱۹۸۵ بدین سو بی سابقه توصیف کرد. اخباری مبنی بر حمله مردم خشمگین به اماکن دولتی گزارش شده است. گزارش‌های اولیه حاکی از آن است که نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی دست کم ۶۰۰ نفر را دستگیر کرده‌اند. تاحظه

در آخرین لحظاتی که نشریه به زیر چاپ می‌رفت، گزارش‌هایی از تظاهرات جدید مردم تهران به دفتر نشریه رسید. بنا بر این گزارشات، تظاهرات اخیر که تنها چند هفته پس از تظاهرات علیه گرانی بلیط اتوبوس‌های شرکت واحد به وقوع پیوست، از ابعادی گسترده برخوردار بوده

گامی در جهت حذف سوبسید

از بازار خریداری می‌کند. اقدام شورای اقتصاد در حقیقت در جهت حذف سیستم کوپنی است. گرچه خلا مقداری پول در مقابل هر کوپن مرغ به مصرف‌کنندگان پرداخت می‌شود ولی پرداخت نقدی نمی‌تواند به طور طولانی ادامه یابد و بعد از مدتی بانها، مختلف کنار گذاشته خواهد شد. به علاوه زمانی که کالایی از سیستم کوپنی درآمده و در سیستم بازار قرار می‌گیرد، نرخ آن را بازار تعیین می‌کند و قیمت‌های تضمینی پایدار نمی‌ماند. لذا تصمیمات شورای اقتصاد در عمل به معنی آزاد اعلام کردن قیمت مرغ و تخم مرغ است.

واکسن و دارو به صورت ارز ۷۰ ریالی وارد نخواهد شد و ورود آن با ارز رقابتی صورت می‌گیرد و با این تصمیم مصرف‌کنندگان از حد اکثر ظرفیت و توان خود استفاده خواهند کرد. زنجان یادآور شد که با شیوه جدید کوپن‌های مرغ و تخم مرغ که اعلام می‌شود، مصرف‌کننده به جای مراجعه به مرغ‌فروشی، به بانک مراجعه و سوبسید نقدی دریافت می‌کند و مرغ و تخم مرغ

سرمایه‌گذاری سوبسیدی بود و تمایلی برای تولید آن دسته از کالاهایی که در چارچوب کنترل بود، وجود نداشت. او اضافه می‌کند به علت تفاوت قیمت آزادی قیمت تثبیتی، کم‌کم مصرف‌کننده به این کالا به صورت کوپنی دست نمی‌یافت. و بر این اساس تصمیم گرفته شد که مرغ‌فروشی این دو کالا به صورت آزاد باشد. سخنگوی شورای اقتصاد تاکید کرد که از این پس مرغ،

بر اساس مصوبه شورای اقتصاد از این پس در پی اعلام هر کوپن مرغ، مرغ‌فروشی کوپن به بانک در ازای هر هفتصد گرم مرغ ۵۲۰ ریال و هر هفتصد گرم تخم مرغ ۲۵۰ ریال به صورت سوبسید نقدی دریافت خواهند کرد. در این مصوبه قیمت مرغ به صورت تضمینی هر کیلو ۱۵۰۰ ریال و تخم مرغ ۵۵۰ ریال تعیین شده است. مسعود روفقی زنجانی سخنگوی شورای اقتصاد و رئیس سازمان برنامه و بودجه در توضیح این تصمیم می‌گوید که با شروع جنگ سعی شد که برخی از اقلام به صورت کنترل شده عرضه شود که دلیل اصلی آن حمایت از مصرف‌کننده و افسار آسب‌پذیر بود. ولی از آنجا که قیمت کنترل شده بود، عکس‌العمل سرمایه‌داران در رابطه با

ایران خواستار اورانیوم فنی شده از فرانسه است

فرمانده نیروی جویایی این کشور از چند مرکز آموزشی نظامی نیز دیدار داشت. ستاری در مسکو پیرامون معاملات تسلیحاتی و همکاری‌های نظامی با مقامات شوروی گفتگو داشت. چند روز پس از سفر ستاری، محسن رضایی فرمانده سپاه پاسداران روانه پاکستان گردید. رضایی در پاکستان با مقامات نظامی این کشور پیرامون گسترش باز هم بیشتر همکاری‌های نظامی گفتگو کرده است. در تهران فرمانده هواییروز در مصاحبه‌ای اعلام داشت که جمهوری اسلامی در صدد خرید طی کوپترهای نظامی از ایتالیا است. به گفته وی گفتگو پیرامون این معادله مراحل نهایی را طی می‌کند.

روزنامه سلام چاپ تهران گزارش داده است که هلت بروز و تغه در امضای قرارداد داخل اختلافات مالی ایران و فرانسه امتناع طرف فرانسوی از تحویل اورانیوم فنی شده به ایران بوده است. این روزنامه به نقل از روزنامه فرانسوی لیبراسیون نوشته است که در آستانه امضای این قرارداد، مداخله آمریکا باعث انصراف دولت فرانسه از تعهد به تحویل مستمر اورانیوم فنی شده گردید. در واکنش نسبت به این خبر دکتر حبیبی معاون رئیس جمهور در مصاحبه‌ای اعلام داشت خبر مربوط به درخواست خرید اورانیوم فنی شده از فرانسه غیر واقعی است. تیمسار ستاری فرمانده نیروی هوایی جمهوری اسلامی که در رأس یک هیات بلندپایه نظامی وارد مسکو شده بود پس از یک اقامت ۵ روزه به تهران بازگشت. وی در شوروی علاوه بر گفتگو با وزیر دفاع

خیا بان نجات‌الهی، محل استقرار دفتر فروش بلیت هوا، در روز ۱۹ تیر ماه صحنه درگیری دسته‌ای از مردم و مأمورین انتظامی گردید. مردمی که در این روز در این محل گرد آمده بودند متقاضیان خرید بلیت پرواز به ژاپن بودند. پیش‌تر هواپیمایی ملی با اعلام قطع فروش بلیت تهران و توکیو، روز ۱۹ تیر را روز فروش دوباره بلیت اعلام کرده بود. در این روز انبوه متقاضیان وقتی با درهای بسته دفتر فروش مواجه شدند دست به اعتراض زدند. کوشش آنها برای ورود به دفتر به درگیری میان آنان و مأمورین انتظامی انجامید. روزنامه رسالت با پخش این خبر یادآوری کرد که در جریان این درگیری خبرنگار این

درگیری متقاضیان سفر به ژاپن با پلیس در تهران

روزنامه نیز مورد ضرب و شتم مأمورین حراست و نیز هواپیمایی قرار گرفت. به نوشته روزنامه‌ها دستگیری و اخراج متقاضیان کار ایرانی در ژاپن باشد ادامه دارد. طی دو هفته منتهی به آخر تیر ماه ۱۳۴۴ ایرانی از ژاپن اخراج شدند. نهاد روز ۲۴ تیر ۱۳۴۴ ایرانی از ژاپن اخراج گردیدند. در توکیو دنبال اقدام پلیس در تعطیل کردن مسافرخانه‌های متعلق به دلالان ایرانی که محل اطراف ایرانیان بود، آنها اکنون شب‌ها در پارک و روی چمن می‌خوابند. فرستنده‌های تلویزیونی ژاپن در روزهای گذشته گزارش‌های متعددی از نحوه زندگی ایرانیان مقیم پارک نشان داده‌اند.

خیابان نجات‌الهی، محل استقرار دفتر فروش بلیت هوا، در روز ۱۹ تیر ماه صحنه درگیری دسته‌ای از مردم و مأمورین انتظامی گردید. مردمی که در این روز در این محل گرد آمده بودند متقاضیان خرید بلیت پرواز به ژاپن بودند. پیش‌تر هواپیمایی ملی با اعلام قطع فروش بلیت تهران و توکیو، روز ۱۹ تیر را روز فروش دوباره بلیت اعلام کرده بود. در این روز انبوه متقاضیان وقتی با درهای بسته دفتر فروش مواجه شدند دست به اعتراض زدند. کوشش آنها برای ورود به دفتر به درگیری میان آنان و مأمورین انتظامی انجامید. روزنامه رسالت با پخش این خبر یادآوری کرد که در جریان این درگیری خبرنگار این

تشکیل جلسه شورای عالی امنیت ملی
* سرویس سیاسی: شورای عالی امنیت ملی عصر دیروز به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی رئیس جمهوری و با شرکت اعضا، مشاوران و فرماندهان عالی‌رتبه نظامی تشکیل شد.

بازگشت به دوران استعمار

صریح، رود روی واقعیت

بخش دوم

سران هفت کشور بزرگ جهان سرمایه‌داری برای نخستین بار پس از پیروزی در جنگ خلیج فارس، در لندن گردیم آمدند تا اجلاس سالانه‌ای را که مطبوعات و رسانه‌های بورژوازی بدان "اجلاس اقتصاد جهانی" لقب داده‌اند، برگزار کنند. در آستانه برگزاری این نشست، به مدت هفته‌ها شاهد کشمکش بر سر دعوت یا عدم دعوت میخائیل گارباچف رئیس جمهور شوروی به اجلاس، و بحث بر سر "کمک اقتصادی" به شوروی بودیم. بالاخره، گارباچف را به‌اعل اجلاس راه ندادند و او تنها توانست پس از اتمام برنامه نشست، با رهبران آمریکا، کانادا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و ژاپن دیدار کند. در لندن، برای گارباچف از قول کمک‌های مشخص خبری نبود، به‌او تنها گفتند که "کمک فنی" می‌کنیم. "کمک فنی" به معنای این است که اقتصاددانان سرمایه‌داری که کنترل بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را بر عهده دارند، به مسئولان دولت شوروی بگویند که چه باید بکنند تا اقتصاد شوروی هر چه سریع‌تر به سمتی که سرمایه‌داری می‌خواهد، تحول یابد. ناخن خشکی سران غرب در اعطای وام به شوروی تاحدی بود که حتی با دادن اعتبار بیش از میزان سرمایه‌گذاری شوروی در "بانک بازاری و توسعه اروپا" مخالفت شد. گارباچف با دست‌های خالی به مسکو برگشت. آن همه جار و جنجال بر سر "کمک به شوروی" چیزی بیش از وعده‌های توخالی و لغظاتی‌های بی‌محتوا درباره آغاز "دوران جدید همکاری" بدنبال نداشت. به نظر می‌رسد غرب می‌خواهد شوروی را تا آن حد تحت فشار بگذارد که مسکو، همه شرایط تحمیلی را بپذیرد. هدف غرب، تحمیل یک برنامه خصوصی‌کردن سریع اقتصاد به همه کشورهای سابقا سوسیالیستی است، مانند آنچه اکنون در شرق آلمان به اجرا گذاشته شده است.

در عوض، اجلاس لندن برای "بحران‌های منطقه‌ای" راه‌حلی پیدا کرده است. فرمول جدید این است که نباید گذاشت هیچ "دیکتاتور"ی بیش از مجموع همسایگان خود اسلحه داشته باشد. جالب اینجاست که سلاح‌های دیکتاتورها، اغلب ساخت خود کشورهای شرکت‌کننده در اجلاس لندن است! سران هفت کشور در لندن به خود اجازه دادند که برای کل جهان تعیین تکلیف کنند. آنها به‌صراحت گفتند که الگوی جنگ خلیج فارس، راهنمای شکل دادن به "نظم نوین" آتی خواهد بود. در دوران استعمار، بعد از هر جنگی که تقسیم‌بندی جهان و تناسب نیروها را از نو تعیین می‌کرد، سران قدرت‌های بزرگ جمع می‌شدند و برای بقیه جهان تصمیم می‌گرفتند. در لندن، سناریوی مشابهی تکرار شد. تفاوت این بار با دوران استعمار و جدت قدرت‌های بزرگ فعلی نیرومندتر از نکات مورد اختلاف آنجاست. شاید از این رو است که بورژوازی غرب با شور و شغف، اجلاس لندن را جشن گرفته است.

طرح کاهش تسلیحات منطقه

بقیه از صحنه اول همکاری‌های نظامی ایران و شوروی با هدف افزایش توان دفاعی جمهوری اسلامی با استفاده از هواپیماهای جدید ساخت شوروی تازه‌ترین اقدام رژیم است. هلیکوپترهایی که شرکت‌های تسلیحاتی جهان تاکنون به راحتی مرزهای ممنوعه را در هر نقطه جهان که خواسته‌اند، پشت سر می‌گذارند و سلاح‌های خود را آب می‌کنند و در آینده نیز چنین خواهند کرد، هر گونه تمحیدی که بتواند بدولت این کشورها از جمله ایران در تحصیل سلاح‌های بیشتر لگام زند، باید مورد توجه و پشتیبانی قرار گیرد. بویژه آنکه اگر چنین تمحیداتی توسط مراجع و ارگان‌های بین‌المللی و با تعهدات و تضمین‌های لازم و مطمئن از جانب دولت‌های بزرگ همراه باشد و پایبندی آن برای رفع عوامل بحران‌زای منطقه و حل منازعات و اختلافات در منطقه تلاش‌های جدی و مسئولانه دنبال شود.

کمک‌های مالی رسیده:

کمک مالی رفقای فرانسه	۸۰۰۰
به کنگره دوم سازمان فرانک	۵۰۰
کمک مالی رفقای مونیخ به کنگره دوم سازمان فرانک	۳۰۰
کمک مالی رفقای ایران	۲۳۰۰

توضیح: نشریه کار شماره ۱۶ که میبایست در روز دوم مردادماه منتشر می‌گردید، به‌خاطر برخی مشکلات فنی بایک هفته تأخیر در روز نهم مردادماه منتشر شده است.

در این قسمت سعی خواهد شد تا تصویری از روانشناسی اجتماعی داده شود و مشخصا بدین سوال (از دیدگاه‌گزار شگر) پاسخ داده شود که سیستم جمهوری اسلامی در چه موقعیت و مرحله‌ای بسر میبرد. متاسفانه وضعیت اجتماعی موجود را میتوان به حق فاجعه نامید، فاجعه‌ای که در نتیجه حاکم شدن رژیم توتالیتر و ارتجاعی جمهوری اسلامی شکل گرفته است.

مسائل حاد اجتماعی مانند اعتیاد به مواد مخدر، فحشا، کلاشی، رشوه‌خواری، تنزل سطح بهداشت در جامعه، بیکاری، گرانی طاق‌ت فرس، رشد بی‌رویه جمعیت، نشانگر وضعیت موجود در ابعاد مختلف است.

پسران جوانی که خمار از کوه‌های جنوب شهر میگذرند، دختران جوانی که در خیابان ولی‌عصر خودروشی میکنند. کارگرانی که بعد از کار به فروش سیگار و یا چیز دیگر مشغولند. کارمندی که بعد از ظهر جادستروشی میکنند. فرهنگی که دانش‌آموزان خود را هم‌آمردود می‌کند تا مشتری برای کلاسهای تقویتی داشته باشند. کاسبانی که اجناس سخمیه‌ای خود را از مردم پنهان میکنند و به چند برابر قیمت در بازار آزادی می‌فروشند.

مخصوصا که بعد از ظهرها پس از کار، در چهارراه استانبول ارز و یاسکه خرید و فروش میکنند. خلاصه‌تر ایدی زندگی آدمجایی که انسرده و نامیدند و نیز نگار در فکر شکار یکدیگرند. جوانانی که سعادت را در خرید بلیط رفت و برگشت توکیو و در نتیجه مبادرت کردن به انجام پست‌ترین کارها در ژاپن می‌بینند.

مردم خسته و سیاست‌زده هستند. ۱۲ سال زندگی مملو از پستی‌ها و رونج‌ها، پناستسلی تحولات اساسی را از مردم گرفته. مردم میدانند که بدترین روزهای بعد از انقلاب بسر آمده، هیچ چیز بدتر نمی‌تواند بشود. مردم میدانند که رژیم‌آخوندی مثل زالویه این کشور پیله کرده‌اند و هر ندای مخالفی را با گلوله جواب میدهند. مردم میدانند که متاسفانه هیچ نیرو و یا جبهه‌ای به‌عنوان آنترناتیو رژیم وجود ندارد. و از طرفی درگیری جناح رفسنجانی با نیروهای تندرو و رانظاره‌گر هستند و در نتیجه تمام این فاکت‌ها، روی جناح رفسنجانی حساب باز کرده‌اند. البته این دید مردمی خالی از بدبینی نیست، مردم بخوبی میدانند که این جناح شریک ۱۲ ساله جناح دیگر در برقراری وضعیت موجود است. بدبینی و عدم اعتماد در قسمت اول گزارش خوبی در میان مردم نمایان است، ولی از آنجا که تنها امکان موجود برای ایجاد تحول است مجبورند روی آن حساب کنند.

این نکته را باید به‌وضوح گفت که خواست‌های مردم تنزل کرده است آزادی‌های شخصی و پیش‌پاافتاده اولیه انسان‌ها موهبتی محسوب میشود که جناب رفسنجانی و کابینه‌اش به مردم عطا

نرموده‌اند. اینکه کسی حق ندارد سد راه زن و مردی که با هم در خیابان قدم میزنند بشود و از آنجا کارت شناسایی بخواهد، آزادی محسوب میشود. اینکه زنان بدون همسر توسط آخوندها برای ددیتقه تا سالها، میتوانند صیغه مردان شوند سیاست بازگشائی نامیده میشود. در یک کلام فرور و شخصیت مردم را شکسته‌اند. اعتماد بنفس را از مردم گرفته‌اند. و اما رژیم جمهوری اسلامی، آیا توان و ظرفیت تغییرات دموکراتیک در جامعه را دارا می‌باشد؟ درگیری درگیر جانشینان در چه سطحی است؟ توازن قوا به نفع چیست؟ آیا رژیم دچار تغییرات اساسی در درون خود خواهد شد؟

در اینجا سعی خواهد شد تا با استفاده از گزارش و خبرها به سوالات فوق پاسخ داده شود. در مورد جبهه‌گیری نیروها میتوان چنین برداشت کرد که دسته‌بندیهای مختلف در دو جبهه متفاوت و مقابل هم قرار گرفته‌اند، جبهه‌ای که رفسنجانی آنرا نمایندگی میکند و شامل نیروهای رسالتی، شورای نگهبان، مدرسین قم، کلیایگانی، کابینه و قسمتی از مجلس (اقلیت آن نیروهای عمده جادوسپاه، جبهه‌ایها، جامعه روحانیت مبارز که مرد قوت پشت پرده مهدوی کنی آن را رهبری میکنند. نظرات این جناح را روزنامه رسالت انعکاس میدهند. جبهه دیگر جبهه رادیکال اسلامی و یا خطامامی‌ها که با افرادی مانند محتشمی، احمدخمینی، کربوبی رئیس مجلس، خوئیینی‌ها (سرپرست روحانیون مبارز) مشخص میشود و در برگیرنده انجمن‌های اسلامی دانشجویان (هسته مرکزی)، مجاهدین انقلاب اسلامی سابق، اقلیت سپاه (این ارزیابی در مورد سپاه از بولتن داخلی سپاه بیرون کشیده شده که بازتاب دهنده نظرات مختلف در درون آنست). مجلس سنکر اصلی و رسمی این جناح در درون رژیم نقش خامنه‌ای که تاکنون سعی داشته که همراه رفسنجانی، نقش خمینی را بین دو جناح بازی کند، ناپایدار میشود. رفسنجانی در مصاحبه ۱۲ اردیبهشت خود با اطلاعات، به بی‌کفایتی خامنه‌ای اعتراف میکند، وی میگوید: "پس از آیت‌اله خمینی کسی را نداریم که در جریان اختلافات جناحها آتش بس دهد" وی همچنین درین مصاحبه میگوید که خامنه‌ای مرجع تقلید رسمی نیست. این لحن صحبت در مورد خامنه‌ای از طرف رفسنجانی نشان میدهد که وی از مواضع خامنه‌ای دل خوشی ندارد، نقش خامنه‌ای بطور کلی عنصر ولایت فقیه در جمهوری اسلامی محترمین معطل رژیم خواهد بود. دودستگی و گسست در درون رژیم در مرحله جدیدی است. خبرهای زیر موبد این ارزیابی است:

جوایمی خامنه‌ای در استان ایلام توسط طبیب منفرج میشود،

خامنه‌ای در درون هواپیما نبود، ولی ستوان یاز کمک خلبان ایرج فارسی، که حمله وی در محله قات آباد تهران برپا گشته بود، در این حادثه گشته میشود. مجلس دکتر فاضل را به اتهام تبلیغ اسلام آمریکایی و تصفیه عناصر حزب‌اللهی استیضاح کرده و با اکثریت آراء به وی رای عدم اعتماد میدهد. (بخاطر داریم که فاضل یکی از امیدهای پزشکان مقیم خارج برای سفر به ایران و خدمت در آنجا بود.)

درگیری بر سر انتخابات خبرگان به‌دوچ خود میرسد، شایعه اعدام برخی سخنرانان تخرقه‌انگیز در خطبه‌های نماز جمعه در تهران مطرح گشته است. کربوبی انتخابات مجلس خبرگان را بی‌اعتبار خواند. در درگیری‌های جناح‌ها مسلما نیروهای مسلح و قبل از همه سپاه پاسداران نقش تعیین‌کننده‌ای خواهند داشت. بولتن داخلی سپاه پاسداران که در بین اعضا و کادربهای سپاه پخش میشود و کاملا درون سازمانی است نشان میدهد که این نیروی نظامی در درون خود جناح‌بندیهای مختلفی دارد که عمدتا به‌درگیریهای درون رژیم مربوط میشود. نظریات مختلف درون بولتن بازتاب دهنده این موضوع است که هلیرفم تمام اختلاف نظرها، اکثریت سپاه انقلاب رفسنجانی - خامنه‌ای را صلاح نظام میدانند و از آن پشتیبانی می‌کنند.

در مورد توده‌های حزب‌اللهی، یعنی پایگاه رژیم در میان مردم بی‌اعتمادی رو به افزایش نسبت به رژیم سخن گفت. هر روز عده‌ای جبهه حزب‌الله را ترک می‌کنند و اغلب با این استدلال که بعد از خمینی همه خیانت میکنند خیال خود را راحت میکنند.

مانورهای اخیر رژیم در برخورد با دولت عراق و شخص صدام حسین، رابطه با غرب و تغییر سریع مواضع رژیم در مقابل کسانی که دشمنان اسلام و مسلمین خوانده میشوند، ضربات شدیدی به عناصر صادق حزب‌اللهی وارد کرده. صدام یزید کافر، آقای رئیس جمهور صدام حسین خوانده می‌شود. حسین شاه اردن شاه حسین پادشاه اردن خوانده میشود. رابطه با انگلیس دوستانه میشود، راجر کوپر بطرز مشکوکی آزاد می‌شود. در قطعنامه پایانی دیدار دو ما وزیر خارج فرانسه از ایران، فرانسه متحد ایران خوانده میشود. نمونه‌ای برای این گسست را در آقای مخملباف کارگردان فیلم می‌بینم. وی که بازتاب دهنده نظرات رژیم و حزب‌الله (نظرات رادیکال اسلامی) بوده امروز در کتاب باغ بلور خود که فیلمنامه می‌باشد

پایه‌های ایدئولوژیک حزب‌الله را مورد حمله قرار میدهد. (داستان فوق، جماعتی حزب‌اللهی است که در یک خانه طاغوتی مصادره شده با هم زندگی می‌کنند، پسر معلولی که بسجی بوده با یک دختر سالم از دواج می‌کند و در قسمتی از این

خانواده زندگی می‌کنند. پسر بسجی معلول که از نخاع فلج است قادر به پاسخگویی به نیازهای دختر جوان نیست و رابطه‌ای نامشروع بین دختر جوان و یک حزب‌اللهی فرصت طلب دیگر در همان خانه نتیجه این وصلت می‌شود.

جناح‌بندیهای درون رژیم، مسلما باید از سوی نیروهای انقلابی به نفع مردم مورد استفاده قرار گیرد، ولی اپوزیسیون ضرر رژیم نباید به توجه توجه‌ها (در صورت وجود چنین توممی) دامن بزنند. نیروهای ضرر رژیم به خوبی می‌دانند که: هنوز گارد وحشت (یزدی)، لاجوردی، یوسفی، یزدانی) در توده تضائیه و در راس زندان‌های مخوف اوین و گوهر دشت حاکم هستند.

نیروهای ضد رژیم به خوبی می‌دانند که دکتر عبدالرحمن قاسملو با افرادی که غرب در درون رژیم پراگماتیست می‌خواند وارد مذاکره شده بود. آنجا به خوبی می‌دانند که هنوز موج ترور سرکرده‌های اپوزیسیون در خارج از کشور به صورت جریانی ممتد ادامه دارد. آخرین نمونه دکتر عبدالرحمن برومند، رئیس هیات اجرایی مقاومت ملی ایران در پاریس بوده.

نیروهای ضد رژیم به خوبی می‌دانند که دلجوئی و پشتیبانی وزرای خارجه آلمان، فرانسه، هلند، اتریش در روزهای اخیر از رفسنجانی و دولتش و پراگماتیست خواندن این دولت در چه راستایی است. تمام این وزرا خارجه بدون استثنا در بازگشت به کشورهایشان از سوی نیروهای مترقی آن کشورها مورد حمله قرار گرفتند که چارواکب اقتصادی، اعتراض به نقض بی‌رویه حقوق بشر در ایران را تحت الشعاع قرار داد.

بطور مثال رولان دو ما که در سفر خود به ایران تنها به تعریف و تمجید از رژیم تهران پرداخت و حاضر نشد که چوکتین اشاره‌ای به عدم رعایت حقوق بشر در جمهوری اسلامی بکند، از سوی مطبوعات فرانسه مورد حمله شدید قرار گرفت. لوموند در این باره نوشت که رفسنجانی در سیاست‌های داخلی خود همانقدر واپسگرا است که همه اعضای دارودسته اسلامی که بیش از ده سال است بر ایران حکومت می‌کنند.

و بالاخره اینکه نیروهای اپوزیسیون، متاسفانه به خوبی نمی‌دانند ولی باید بدانند که روند مبارزه در درون کشور چگونه قانونمندیهای مبارزه چگونه عمل می‌کنند و با استفاده از تجارب ۱۲ ساله از تکرار اشتباهات و جنایات گذشته، ممانعت بعمل آورند.

هر چند که نیروهای ضرر رژیم در کل فعلا قادر به دخالت فعال در روندهای اجتماعی نیستند ولی باید بدانند که به قول شاعر گرانقدر شاملو چشمانها کنار فقیله بی‌طاقتند و اگر نیروهای اپوزیسیون می‌خواهند جایی در مبارزات آینده کشورمان داشته باشند باید متحد و مجبانشوند.

یادداشت اقتصادی - اجتماعی

نگاهی به وضع تامین اجتماعی (۱)

از ۲۵ تا ۳۱ تیر ماه هفته تامین اجتماعی و بنیستی بود. در این هفته مسئله تامین اجتماعی به موضوع سخنرانی مقامات دولتی و گزارشهای سازمانهای ذیربط و مطبوعات تبدیل گردید و مسائلی در این زمینه طرح گردید.

تامین اجتماعی در کشور ما به لحاظ کمی و کیفی در سطح نازل قرار دارد. اقبال وسیعی از جامعه از جمله بخش بزرگی از سالمندان، زنان - خانه دار، دهقانان، کارگران ساختمانی و بیکاران از هرگونه تامین اجتماعی محرومند. بنوشته روزنامه اطلاعات ۱۲ میلیون نفر از جمعیت ایران زیر چتر تامین اجتماعی قرار دارند.

سازمانهایی که تماما و یا بخشا در تامین اجتماعی نقش دارند عبارتند از: سازمان تامین اجتماعی، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام، صندوق بازنشستگی، بنیاد شهید و بنیاد مستضعفان و جانبازان. هر کدام از این سازمانها در همین حال قلبهای اقتصادی و تجاری کشور هستند. تعدادی از این سازمانها فقط کسانی را که به نحوی از جنگ آسیب دیده اند تحت پوشش قرار داده اند. "سازمان تامین اجتماعی" در بین آنها جایگاه ویژه ای دارد.

سازمان

تامین اجتماعی

سازمان تامین اجتماعی یکی از پردرآمدترین سازمانهای کشور است. این سازمان مبلغ کلانی را از محل حق بیمه کارگران دریافت می کند. این مبلغ بر پایه گزارشهای رسمی در سال ۱۳۶۵ حدود ۱۴ میلیارد تومان و در سال ۶۸ حدود ۲۸ میلیارد تومان بوده است. بنا به اظهار نظر کارشناسان، این سازمان با دارا بودن ۱۲۰ میلیارد تومان (در سال ۶۸) ثروتمندترین نهاد اجتماعی ایران است.

طبق مقررات موجود ۳۵ درصد از دستمزد کارگران به عنوان بیمه کارگران و خانواده هایشان از آنان اخذ میشود. بدین ترتیب که ماهانه ۷ درصد دستمزد از حقوق کارگران کسر میشود، ۲۰ درصد کارفرما وصول میشود و ۳ درصد باقیمانده را دولت باید بپردازد. معلوم است که سهم کارفرما و دولت بدرجات و اشکال مختلف از جیب کارگران تامین میشود. (دولت از طریق مالیات و کارفرما از طریق پرداخت دستمزد پایین) سازمان تامین اجتماعی موظف است از محل حق بیمه جمع آوری شده هزینه های درمان

بیمه شدگان، غرامت دستمزد (مستمری ایام بیماری، بارداری و از کارافتادگی) حقوق بازنشستگی و مستمری بازماندگان کارگران، کمک هائله بیندی و غیره را پرداخت کند. این سازمان در حقیقت یکی از مهم ترین سازمانهایی است که چونکی همکار آن با زندگی و سرنوشت میلیون ها انسان ارتباط پیدامی کند.

سازمان تامین اجتماعی از ارائه خدمات تامین اجتماعی ضرور برای کارگران عاجز است. این مسئله بویژه در مورد خدمات درمانی مشاهده میشود. بیمه شدگان از کمترین خدمات بهداشتی و درمانی برخوردارند.

درمان گاه ها و بیمارستان های بیمه ای فاقد امکانات اولیه ضروری است. کیفیت درمان بسیار پایین است. در این مراکز به صاحبان دفترچه بیمه اغلب جوابهای سربالا می دهند. غالباً داروخانه ها به دفترچه های بیمه دارو نمی دهند. بیمه شدگان تامین اجتماعی از وضع درمان و دارو می نالند. روزنامه کیهان در گزارشی از بیمارستان آیت الله کاشانی می نویسد: "این بیمارستان در جنوب تهران قرار دارد، بیماران اکثراً از ایشاری هستند که مزد خویش را از کار سخت فراهم می آورند. دسته ای از آنها کارگران کوره پزخانه ها و خانواده هایشان هستند. در دست هر کدام از مراجعین یک دفترچه بیمه دیده میشود. همه در انتظارند و چشمها نگران و سرگردان می نماید. ابرو و ناله درم کشیده شده پاها خسته و دستها پر از نسخه های خرت و پیرت است. نگاهها در انتظار سفیدپوشان نجات بخش انگار به جرس درگشت و گذار است. یکی از بیماران رنجور می گوید: "کلیه درد داشتم، رفتم برای سونوگرافی وقت بگیرم، تا دفترچه بیمه را توی دستمان دیدند گفتند یکماه دیگر وقت داریم. من گفتم که تا آن موقع شاید برایم جواز دفن صادر کنند!"

دکتر روبه ما کرد و گفت: "تا وقتی دفترچه بیمه دارید همینطور است!" دفعه بعد که برای سونوگرافی به همان جا مراجعه کردم دفترچه بیمه ام را رو نکردم ۴ روز بعد وقت دادند." (روزنامه کیهان ۱۸ آبان ۱۳۶۸). همین روزنامه از زبان یکی از کارگران نقل می کند: "همین چند روز پیش یکی از بیمه شدگان سازمان تامین اجتماعی به بیمارستان مداین می رود، که از او ۸۰ هزار تومان می خواهند که عمل کنند. او به بیمارستان لبانی نژاد که متعلق به سازمان تامین اجتماعی است مراجعه کرده که برای سه سال بعد نوبت عمل جراحی میدهند."

پزشکان و داروخانه ها هم از وضع موجود می نالند. یکی از پزشکان میگوید: "از پس اذیت مان کردند و بدیهی می بود به بیماران تحت پوشش تامین اجتماعی را ندادند قرارداد را با این سازمان لغو کردم." (همان منبع)

بر اساس قانون تامین اجتماعی سال ۱۳۵۴، سازمان تامین اجتماعی موظف شد که یکسوم حق بیمه وصولی را بابت درمان بیمه شدگان به وزارت بهداشت و درمان بپردازد. این وزارتخانه نیز موظف گردید تمام خدمات درمانی را به بیمه شدگان ارائه دهد. گفته می شد که وزارت بهداشت و درمان تا اوایل سال ۶۹ بخشی از وجوه دریافتی را صرف معارضه دیگر میکرد. در سال ۱۳۶۸ مجلس شورای تصویب کرد که از اول سال ۱۳۶۹ سازمان تامین اجتماعی مبلغی به وزارت بهداشت و درمان بپردازد و خود راسا درمان بیمه شدگان تامین اجتماعی را هزینه کند. این مجوبه هم نتوانست بنمود جدی در وضع درمان بیمه شدگان بجا آورد. در همین حال رژیم حاکم به اشکال مختلف از امکانات سازمان تامین اجتماعی سوء استفاده می کند.

در همین مصوبه مجلس تصریح شده است که: "کلیه بیمارستان های تحت مالکیت سازمان تامین اجتماعی مکلفند تا ۲۰ درصد از ظرفیت تخت های خود را به پذیرش بیماران غیر بیمه ای بی بضاعت و هم چنین بیمارانی که از خانواده های محترم شهدای اسرا و مفقودین و جانبازان هستند، به طور رایگان اختصاص دهند و در شهرهایی که متقاضیان ارائه خدمت کنند، یکی از اعضا کمیته بیمه و درمان کارگران سراسر کشور در این مورد می گوید: "سازمان بودجه اش از محل بیمه شدگان است و برداشت و هر جزئیتهای از این محل خلاف شرع است مثلاً بنیاد شهید که بهترین بیمارستانها را برای خانواده شهدا در اختیار گرفته است، آیا بیمه شدگان را قبول میکند؟ اگر بیمه شده تامین اجتماعی خواهد بود در بیمارستان خاتم الانبیا درمان شود باید ۵ تا ۳۰ هزار تومان به عنوان ودیعه بپردازد. ما انتظار داریم وجوهی که مربوط به تشریح خاص است صرف هزینه های دیگر نشود." (کیهان ۱۸ آبان ۱۳۶۸)

وضعیت سایر خدمات و امکانات تامین اجتماعی نیز تفاوت چندانی با وضع اسفناز بیمه درمانی کارگران ندارد. در حالی که اکثریت کارگران از مشکل بی خانمانی و فشار فزاینده اجاره خانه هارنج میبرند.

این سازمان در حالیکه در موقع وصول حق بیمه از کارگران مقررات شدیدی را عملی میکند و ساعات و روزها را دقیقاً حساب میکند، هنگام پرداخت مقرری بیماری، بارداری و یا از کار افتادگی، کارگران را ماهها سردرگم و معطل کرده و غالباً نیز حق قانونی آنها را ادا نمیکند.

فرهنگنامه روز

قرار داد استارت

بسمرتیخ و بیکر وزرای خارجه شوروی و آمریکا گفتگوهایی را که در روزهای ۱۱ و ۱۲ ژوئیه در واشنگتن در چارچوب "مذاکرات کاهش سلاحهای استراتژیک" (استارت مخفف START (Strategic Arms Reduction Talks صورت دادند، موفقیت آمیز توصیف کردند. این هنوز به معنی آن نیست که "استارت" در گفتگوهای صورت گرفته درواشنگتن وارد یک نقطه عطف شده باشد. اما در مجموع انتظار می رود که تا زمان دیدار سران آمریکا و شوروی - که گفته می شود در ماه فوریه سال آینده میلادی صورت خواهد گرفت - آنگونه توافق هایی حاصل شود، که "استارت" را به یک نتیجه قطعی برساند.

"روزنامه سلام"

در دسری تازه برای ائتلاف حاکم

جناح تندرو مدتی است که برای تقویت مواضع خود و برخورد با سیاست های جناح حاکم به سنگر مطبوعات روی آورده است. انتشار مجله بیان، روزنامه سلام و جهان اسلام نشانگر حرکت جناح تندرو در این راستا است. مجله بیان تحت مسئولیت محتشمی، روزنامه جهان اسلام با مسئولیت هادی خامنه ای و سلام با مسئولیت خوئینی ها منتشر میشود. در این میان روزنامه سلام در درگیری های درون حکومت جایگاه خاصی را پیدا کرده و خود بیک موضوع مشاجره تبدیل شده است.

خوئینی ها در ملاقات با مسئولین روزنامه سلام در مورد علت انتشار آن اظهار داشت: "احساس ما این است که برداشت مان این است که رسانه های موجود همه آن چه را که به دست بدآگاهی مردم نمی توانند برسانند، " ما با مجموعه این برآورد و بررسی باین نتیجه رسیدیم که باید در مورد یک رسانه مطبوعاتی دیگر هم (روزنامه) اقدام کنیم که حتی الامکان این کاستی و خلأ را بتوانیم جبران کنیم."

"ما هیچ وقت نباید نسبت به مردم این برخورد داشته باشیم که فکر کنیم ما باید برای مردم و بجای مردم تصمیم بگیریم چه چیزی را بدانند خوبست و چه چیز را نباید بدانند." "احساس ما بر این بود که قسمت مهمی از مسائلی که باید با اطلاع مردم برسد، گرفتار سانسورهای خبری و مطبوعاتی شده اند."

روزنامه سلام بر پایه این گفتار اخبار و اطلاعاتی را درج

"استارت" در ادامه یک روند تنش زدایی که دستاوردهای آن سالت ۱ (مذاکرات محدود کردن سلاحهای استراتژیک که قرار داد آن در ۲۶ مه ۱۹۷۲ امضا شد)، سالت ۲ (۱۸ ژوئن ۱۹۷۹)، و قرار داد ABM (قرارداد چشم پوشی از ساخت موشکهای ضد بالستیک - ۲۶ مه ۱۹۷۲) بود، آغاز شد. اولین نشست "استارت" در ۲۹ ژوئیه ۱۹۸۲ در ژنو برگزار گردید. هدم تصویب قرار داد سالت ۲ در سنای آمریکا و استقرار موشکهای بلند پرواز در اروپای غربی در سال ۱۹۸۳، "استارت" را دچار اختلاف جدی کرد. با آغاز دور تازه تنش زدایی در رابطه بین "شرق" و "غرب" از سال ۱۹۸۵، به تدریج موانع موجود در سر راه "استارت" از میان برداشته شد، بی آنکه تاکنون خود مذاکراتی که در چارچوب

"استارت" آغاز شده بود، رونق بیابد و به نتیجه برسد. شوروی و آمریکا نخستین هدف "استارت" کاهش سلاحهای استراتژیک هر دو کشور به میزان ۳۰ درصد - یعنی تا آن حدی که هر کشور حدود ۹۰۰۰ سلاح استراتژیک داشته باشد - اعلام کرده اند. پیش از این از کاهش سلاحهای استراتژیک به میزان دو سوم سخن در میان بود. اختلافی که اکنون بین شوروی و آمریکا وجود دارد بر سر تعریف سلاح استراتژیک، این که چه سلاحهایی را باید استراتژیک محسوب کرد و نیز بر سر این موضوع است که تعداد واقعی سلاحهای طرف مقابل چقدر است. بسمرتیخ و بیکر در مذاکره اخیرشان اعلام کردند که این اختلافها به میزان زیادی حل شده اند، اما دو طرف هنوز به توافق قطعی نرسیده اند.

انتشار اخبار و اطلاعات احوال

کرده و مردم را از دسترسی به اخبار و رویدادهای کشور محروم نموده است. صدای سیاهی جمهوری اسلامی کنترل شدیدی بر بخش اخبار دارد و اخبار را مطابق با منافع "نظام" و مصلحت های روز پخش می کند. در مطبوعات نیز خود سانسوری شدید وجود دارد. فقط گوشه هایی از مسائل در درگیری های جناحی در مجلس و مطبوعات از پرده بیرون می افتد. مردم اجباراً برای اطلاع از اخبار کشور به برنامه های فارسی رادیوهای کشورهای دیگر گوش می دهند، طبعاً در چنین شرایطی روزنامه هائی که "اسرار نظام" را منتشر می کنند با استقبال مردم مواجه خواهند شد.

اکنون با درج "اخبار محرمانه" در روزنامه های مخالف دولت بویژه روزنامه سلام مشکل جدیدی برای رژیم جمهوری اسلامی بوجود آمده است و بیکی دیگر از موضوعات مورد اختلاف دو جناح تبدیل شده است. علاوه بر این مسئله به تبادل آزادانه اطلاعات و مسئله آزادی مطبوعات را که در جامعه مطرح است، دامن زده است.

جناح تندرو که آمیدی به حفظ اکثریت خود در دوره های مجلس شورای ندارد، حفظ سنگر مطبوعات را امری حیاتی برای خود بشمار می آورد و می کوشد بلندگو هائی برای ارائه نظرات خود داشته باشد. ائتلاف حاکم هم باین سادگی قادر نیست این روزنامه ها بویژه روزنامه سلام را تعطیل کند. این امر با سیاحتی که رفسنجانی می خواهد در سطح ملی و بین المللی از دولت خود شکل دهد، مغایرت دارد. علاوه بر روزنامه سلام ارگان روحانیون مبارز است و تحت مسئولیت خوئینی ها منتشر می شود.

موضع گیری خامنه ای در هفته گذشته در مورد جناح تندرو و تجدید آنجا، مسئله برخورد با این روزنامه ها را توسط ائتلاف حاکم بطور بهتری مطرح ساخته است. بگفته خبرگزاریها، برخورد تند خامنه ای بدنبال درج مطلبی در روزنامه سلام در نقد مواضع دولت رفسنجانی صورت گرفت. در ماههای آتی معلوم خواهد شد که ائتلاف حاکم چگونه با در دستر تازه خود برخورد خواهد کرد.

انتشار اخبار و اطلاعات احوال

کرده و مردم را از دسترسی به اخبار و رویدادهای کشور محروم نموده است. صدای سیاهی جمهوری اسلامی کنترل شدیدی بر بخش اخبار دارد و اخبار را مطابق با منافع "نظام" و مصلحت های روز پخش می کند. در مطبوعات نیز خود سانسوری شدید وجود دارد. فقط گوشه هایی از مسائل در درگیری های جناحی در مجلس و مطبوعات از پرده بیرون می افتد. مردم اجباراً برای اطلاع از اخبار کشور به برنامه های فارسی رادیوهای کشورهای دیگر گوش می دهند، طبعاً در چنین شرایطی روزنامه هائی که "اسرار نظام" را منتشر می کنند با استقبال مردم مواجه خواهند شد.

اکنون با درج "اخبار محرمانه" در روزنامه های مخالف دولت بویژه روزنامه سلام مشکل جدیدی برای رژیم جمهوری اسلامی بوجود آمده است و بیکی دیگر از موضوعات مورد اختلاف دو جناح تبدیل شده است. علاوه بر این مسئله به تبادل آزادانه اطلاعات و مسئله آزادی مطبوعات را که در جامعه مطرح است، دامن زده است.

جناح تندرو که آمیدی به حفظ اکثریت خود در دوره های مجلس شورای ندارد، حفظ سنگر مطبوعات را امری حیاتی برای خود بشمار می آورد و می کوشد بلندگو هائی برای ارائه نظرات خود داشته باشد. ائتلاف حاکم هم باین سادگی قادر نیست این روزنامه ها بویژه روزنامه سلام را تعطیل کند. این امر با سیاحتی که رفسنجانی می خواهد در سطح ملی و بین المللی از دولت خود شکل دهد، مغایرت دارد. علاوه بر روزنامه سلام ارگان روحانیون مبارز است و تحت مسئولیت خوئینی ها منتشر می شود.

موضع گیری خامنه ای در هفته گذشته در مورد جناح تندرو و تجدید آنجا، مسئله برخورد با این روزنامه ها را توسط ائتلاف حاکم بطور بهتری مطرح ساخته است. بگفته خبرگزاریها، برخورد تند خامنه ای بدنبال درج مطلبی در روزنامه سلام در نقد مواضع دولت رفسنجانی صورت گرفت. در ماههای آتی معلوم خواهد شد که ائتلاف حاکم چگونه با در دستر تازه خود برخورد خواهد کرد.

باپیشروی آب دریا آب رودخانه ها آلوده شد

در آستارا پیشروی آب دریا باعث پس رفت آب رودخانه شهر و افزایش ارتفاع آن شده است. در نتیجه این حادثه و تراکم آب های آلوده به مواد شیمیایی شالیزارها و آب فاضلاب شهر در این رودخانه، سطح آب از ماهیان مرده پوشانده شده است. به گفته کارشناسان آب آشامیدنی منطقه نیز اکنون آلوده شده است که سلامتی مردم را تهدید می کند.

در انزلی ارتفاع سطح آب در پشت دیواره هایی که با ماسه و سنگ بنا شده است در برخی از مناطق به

حمله تند رفسنجانی

به جناح مخالف

هاشمی رفسنجانی در یکی از شدیدترین حملات به جناح مخالفش در حکومت جمهوری اسلامی، آنان را ردل و ریاکار خواند. وی که در روز ۲۱ تیر ماه در نماز جمعه تهران سخنرانی میکرد هم چنین گفت وی با احمد خمینی اختلاف نظری ندارد و نباید تصور کرد مخاطب سخنانش احمد خمینی است. چند روز بعد از این سخنرانی، احمد خمینی نیز اعلام داشت که دارای اختلاف نظر با رفسنجانی نیست.

در هفته های اخیر حملات جناح های حکومتی به یکدیگر در مطبوعات شدت بیشتری گرفته است. انتظار میرود با گشایش مجلس در هفته جاری مخاصمات طرفین اوج باز هم بیشتری بیابد.

دستگیری های تازه

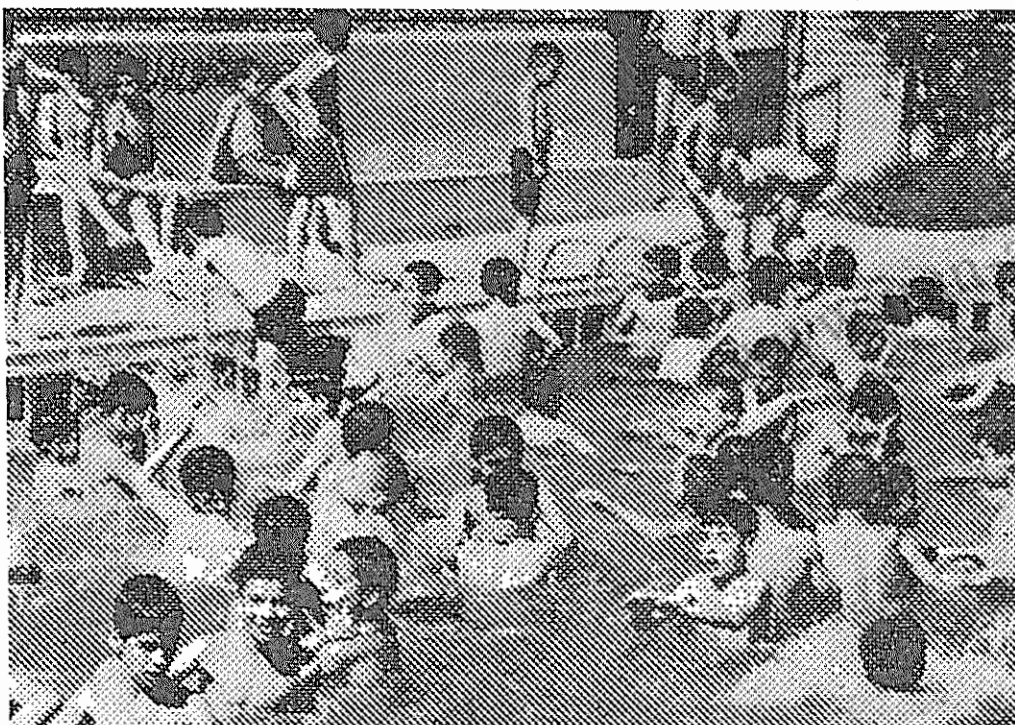
به اتهام عضویت در

گروه مهدی هاشمی

وزارت اطلاعات در اواخر سال ۶۹ همدای را به اتهام عضویت در گروه مهدی هاشمی دستگیر ساخت. این خبر را خبرگزاری جمهوری اسلامی در ۲۷ تیر ماه اعلام داشت. برای این همه اتهام شرکت در قتل یک شاهد ترور شمس آبادی را هنوان کرده اند. شمس آبادی که از مخالفین نظرات نقضی منتظری و مشکینی بود در سال ۶۸ توسط مهدی هاشمی و همراهانش به قتل رسید. مهدی هاشمی خود نیز در سال ۶۷ توسط جمهوری اسلامی اعدام گردید.

کارگر در آتش سوختند

عدم رعایت مسایل ایمنی توسط کارفرما باعث مرگ دلخراش ۱۱ کارگر گردید. این کارگران در جریان آتش سوزی یک کارگاه چاپ روی پارچه در بازار تهران، کشته شدند. این کارگاه در روز ۲۴ تیر ماه بخاطر تراکم گاز ناشی از تینر و بنزین دچار حریق گردید. علاوه بر کارگران کشته شده، چند کارگر دیگر نیز مجروح گردیدند. بروز این حادثه در ناک به خاطر عدم وجود تجهیزات ایمنی بوده است.



در تابستان گرم کودکان در گریز از گرما راهی استخر شده اند. اما تعداد استخر نسبت به انبوه متقاضیان ناچیز است. از این رو کودکان در استخر به جای شنا ناگزیرند از سرو کول همدیگر بالا بروند.

کویر هر ساله ۸۰۰ هزار هکتار گسترش می یابد

در شهرستان بجمبور واقع در بلوچستان یک روستا زیر هجوم شن های روان مدفون شد. در این منطقه چندین روستای دیگر نیز با پیشروی شن های روان به نابودی تهدید میشوند. هجوم شن های روان و پایین رفتن سطح آب رودخانه بجمبور به نابودی نخلستان های بسیاری انجامیده است.

در تهران یکی از معاونین وزارت جهاد سازندگی اعلام داشت پیشروی شن های روان هر ساله ۸۰۰ هزار هکتار زمین قابل کشت را بایر و به کویر ملحق می کند. علاوه بر این با فرسایش خاک سالانه ۲ میلیارد تن خاک زراعی در آبخیز جامی ریزد و از میان می رود. فرسایش خاک که در ایران در حد فوق العاده ای است، از خطرات بزرگ محیط زیست و کشاورزی در ایران محسوب میشود. میزان فرسایش خاک در ایران ۱۰ تن در هکتار است. در حالیکه این رقم در اروپا به ۱/۵ تن می رسد.

خبرهای کوتاه

- ۵۰ درصد جمعیت شهر تربت جام در خراسان را انقانی ها تشکیل میدهند. این خبر را یزدی رئیس قوه قضاییه اعلام داشته است. وی هم چنین گفت ۲۵۰ هزار تن از جمعیت شهر مشهد شهروندان کشور افغانستان هستند.
- یکی از سرمایه داران ایرانی که اخیراً به کشور بازگشته بود با از دست دادن ۲۹۰ میلیون ریال از دارایی هایش دوباره به آمریکا بازگشت. باندی که توسط یکی از پاسداران کمیته رهبری میشد این مبلغ را با تجدید از سرمایه دار مزبور اخذ کرد.
- سرپرست سازمان حج و اوقاف اعلام داشت دولت جمهوری اسلامی در سال جاری در ازای هر زائر حج ۱۰۰۰ دلار سوبسید پرداخت کرده است.
- دنباله خبرهای کوتاه
- خبرگزاری جمهوری اسلامی طی گزارشی خبر درگیری های درونی موسسه کیهان را انتشار داده است. بنا بر این گزارش تعطیل کیهان فرهنگی به خاطر اختلافات میان رهبری موسسه کیهان و گردانندگان کیهان فرهنگی صورت گرفت.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی هم چنین افزود رابطه میان شورای کارکنان و رهبری موسسه کیهان تشنج آمیز است. انتشار گزارش این خبرگزاری باعث اعتراض روزنامه کیهان گردید. این روزنامه با درج جوابیه بلندی به گزارش مزبور پاسخ داد.

صاحبان امتیاز

۵ روزنامه

تحت پیگرد

قرار گرفتند

در کنگره بزرگداشت نظامی گنجوی، یک گروه هنری وابسته به وزارت ارشاد اجازه نیافت آمنگی را که بر پایه اشعاری از نظامی تنظیم شده بود، اجرا نماید. ممانعت از کار این گروه توسط آخوندی صورت گرفت که از جمله حضار در کنگره بود. وی با اعلام اینکه موسیقی حرام است برنامه را بجم زد و گروه مزبور را از کنگره بیرون راند. این خبر را خاتمی وزیر ارشاد در مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی اعلام کرده است.

خاتمی در مصاحبه مذکور هم چنین گفت تنها در دو سال گذشته، مسئولین پنج روزنامه بخاطر مطالبی که منتشر کرده اند تحت پیگرد قرار گرفتند. سه روزنامه را توقیف کردند. ادامه انتشار دو روزنامه دیگر نیز بدستور وزارت ارشاد مشروط شده است. خاتمی از اعلام اسامی این روزنامه ها و ذکر اتهامات متناسب خودداری کرد.

برای خنده!

مامورین شهرداری منطقه ۱۶ زیاده های تخلیه شده در نازی آباد تهران به تلانی که باعث انتشار بوی تعفن در متوقف ساختن یک دستگاه محل شده و مشکلاتی برای خودرو متعلق به شهرداری، مراجعین ساختمان راهنمایی توسط مامورین راهنمایی و رانندگی منطقه ده بوجود رانندگی منطقه ده تهران یک آورده بود سرانجام با وانت بار زیاده مقابل درب پیگیری رئیس منطقه یاد شده ورودی ساختمان محل و دستور مسئولین بالای استمرار آنان تخلیه کردند. شهرداری جمع آوری شد.



چهارشنبه ۱۹ تیرماه ۱۳۷۰

خط مشی سیاسی و برنامه جمهوری ایران

پتیه از صفحه ۵

نظیر سازمان ملل متحد و جنبش غیرمتعددها، حمایت از جنبش های دموکراتیک علیه تجاوز، جنگ، محیط زیست، نژادپرستی و مبارزه برای استقرار نظم عادلانه و دموکراتیک در مناسبات بین المللی.

- شناسایی حق کلیه خلق های ساکن کشور در تعیین سرنوشت خویش و پایان دادن به هرگونه ستم ملی، به رسمیت شناختن زبان خلق ها در محدوده ملی، تضمین حق اقلیت های ملی و مذهبی در برخورداری از کلیه حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی و لغو هر گونه تبعیض علیه آنها، انجام اقدامات ضروری برای جبران عقب ماندگی در مناطق ملی.

- تدوین قانون کار و تامین اجتماعی فراگیر بر پایه موازین دموکراتیک، تضمین امنیت شغلی، جلوگیری از رشد بیکاری و ایجاد کار در جامعه، پرداخت حق بیمه به بیکاران، برنامه ریزی برای کاستن از میزان کارهنگی و تضمین یک ماه مرخصی برای کلیه حقوق بگیران، تامین حق تشکیل سازمان های صنفی کارگران و زحمتکشانشان فکری ویدی، مشارکت تشکیل های آنها در مسائل مربوط به برنامه ریزی و سازماندهی تولید، تضمین حق

آلودگی ها

تأمین امنیت سیاسی، قانونی و اجتماعی برای نویسندگان، هنرمندان و فرهنگ سازان، الهای کلیه محدودیت ها و مقررات ارتجاعی در مورد هنر و ادبیات، فراهم آوردن شرایط مساعد برای شکوفایی فرهنگ و هنر و دستیابی مردم به ارزش های نو و پیشرفته، اشاعه همه جانبه علوم و تکنولوژی و بهره گیری از دست آوردهای آنها، تربیت کادر علمی و فنی، تشویق طراحان، مهندسان و مخترعین، ایجاد تسهیلات و انگیزه های کافی برای بازگشت متخصصین ایرانی مقیم خارج از کشور، تشکیل و گسترش موسسات علمی و پژوهشی و فراهم آوردن شرایط مساعد برای کار دانشمندان و پژوهشگران.

توضیحی پیرامون "برنامه سیاسی

اجتماعی سازمان نوین ما"

پتیه از صفحه ۶

حتی به قیمت دور شدن از والاترین ارزش های انسانی صورت گرفت. هم اکنون نیز با توجه به اینکه در مجموع مسئله مرام و ایدئولوژی از برنامه سازمانی رخت برمی بندد اما به جای آن باز هم از زاویه سیاست به انسان نگریده می شود در صورتیکه راقم این سطور معتقد است که انسان در راس هرم قرار دارد و

رژیم جمهوری اسلامی
جمهوری اسلامی رژیمی است ضد دموکراتیک، واپسگرا، توتالیتر و مبتنی بر ولایت فقیه که دین و دولت را درهم آمیخته و فقه شیعه را مبنای قانون گذاری قرار داده است. در این رژیم آراء و اراده مردم سلب شده و اختیارات حکومتی در دست یک فرد بنام "ولی فقیه" متمرکز شده است. "ولی فقیه" مانع قانون است و هیچ نهادی حق کنترل و بازخواست از وی را ندارد.

جمهوری اسلامی استبداد مذهبی خشنی را در جامعه برقرار کرده است. این رژیم حقوق بشر را نقض کرده و آزادی بیان و عقیده، اجتماعات و اجتماعات، احزاب و تشکل های صنفی و دموکراتیک را سرکوب و با زور اعتقادات و آداب و رسوم اسلامی را بر همه شئون فرهنگی و حیات روزمره مردم تحمیل میکند.

رژیم حاکم زنان را از بسیاری حقوق اولیه انسانی محروم ساخته است. نابرابری زن و مرد، تحقیر و توهین به شخصیت زن جزو اصول اعتقادی و سیاست رسمی آن است.

رژیم جمهوری اسلامی مخالفین سیاسی خود را بوجه شدید تحت پیگرد قرار داده و آنها را سرکوب، شکنجه و اعدام می کند. رژیم حاکم حقوق اقلیت های ملی را نفی و جنبش حق طلبانه آنها را سرکوب می کند.

حکومت جمهوری اسلامی مخالف آزادی اندیشه و تبادل آراء افکار و اطلاعات است. آزادی مطبوعات، رادیو و تلویزیون نفی شده و انتشار افکار، عقاید و اطلاعاتی در جامعه مجاز شناخته میشود که در تضاد با نظام فکری و اعتقادی و مصالح سیاسی آن نباشد. در رژیم ولایت فقیه قوانین قضایی بر پایه اصول فقهی تدوین شده است. قوانینی همچون تعاص، تعزیرات، حدود و سنگسار که بر خشونت ضد بشری استوارند و با تمدن معاصر و ارزش های انسانی بیگانه اند.

رژیم حاکم مخالف جویت فرهنگی مردم ایران، ارزش های نوین بشری و مروج تاریک اندیشی و خرافات است. بر اثر سیاست های این حکومت فرهنگ دلالی و واسطه گری رشد و ارزش های انسانی ائت کرده است.

در طول حکومت جمهوری اسلامی بحران اقتصادی کشور عمیق تر و عمده جانیه تر شده، از میزان تولیدات کاسته شده، بازده کار پایین آمده و بخش خدمات، دلالی و واسطه گری در اقتصاد کشور وسیعاً گسترش یافته و نیروی کار و سرمایه های عظیم در این بخش متمرکز شده است. بیکاری گسترده، کاهش مداوم سطح زندگی مردم و قدرت خرید آنها، تورم فزاینده، فقر روز افزون اکثریت مردم، رشد شتابان جمعیت کشور، گسترش بی حد و حصر بوری کراسی و رشد فساد و ارتشاه در ادارات دولتی و مهاجرت میلیون ها نفر از کشور پیامد حاکمیت جمهوری اسلامی و سیاست های آن است.

در طی حاکمیت رژیم ولایت فقیه اقلیتی فارتگر به ثروت های انسانی دست یافته و اکثریت عظیم مردم میهن ما فقیرتر شده و شکاف طبقاتی تشدید یافته است.

ترکیب و خاستگاه اجتماعی هیئت حاکمه را به طور عمده ملایان، بازاریها، دلالان و بوروکرات ها تشکیل میدهند. در جمهوری اسلامی با بوروکراتیزه شدن بخش مهمی از اقتصاد کشور و فراهم شدن شرایط مساعد برای فارتگری تجار و دلالان و قرار گرفتن آخوندجا در راس ارگان های دولتی و دست اندازی آنها بر ثروت های کشور، بیش از همه ملایان، تجار بزرگ، دلالان و بورژوازی بورکراتیک تامین میشوند.

حاکمیت جمهوری اسلامی و سیاست های آن جامعه ما را به لحاظ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به بحران عمیق و عمده جانیه ای سوق داده است. شرط مقدم برای قلبه بر این بحران، تامین آزادیهای سیاسی و حقوق بشر، انجام انتخابات آزاد و استقرار جمهوری مبتنی بر دموکراسی پارلمانی است. ولی رژیم جمهوری اسلامی راه تامین حقوق بشر و استقرار دموکراسی در کشور، اعمال اراده مردم از طریق انتخابات آزاد و پیشبرد سیاست های ضرور در هر صدهای مختلف اجتماعی را سد کرده است. از این رو ما خواهان پایان دادن به رژیم جمهوری اسلامی و استبداد مذهبی و استقرار جمهوری ایران هستیم. تعیین نظام آینده ایران جزو وظایف مجلس موسسان است. ما جمهوری مطلوب خود را برای تصویب به مجلس موسسان ارائه داده و برای جلب مردم به پذیرش آن تلاش می کنیم.

جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی است که در آن وسیعترین توده ها شرکت داشتند. عدم انطباق رژیم ولایت فقیه با الزامات رشد جامعه، پیشبرد سیاست های ضد دموکراتیک و واپسگرایانه در هر صدهای مختلف، جنگ ویرانگر ایران و عراق، تشدید بحران اقتصادی، رشد تضادهای درون حکومت و عوامل دیگر موجب تضعیف مداوم پایگاه توده ای رژیم اسلامی گردیده است. با این وجود، رژیم اسلامی هنوز بخشی از پایگاه اجتماعی خود را

خط مشی سیاسی و برنامه جمهوری ایران

بهر روز خلیق

توضیح پس از انتشار سند "ماجاو دیدگاه های سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت - توسط گروه کار تدارک اسناد، گروه تدوین طرح خط مشی سیاسی و برنامه پیشنهادی خود به کنگره دوم را در دستور قرار داد، اما به علت اختلاف نظر حول تعیین شعار عمده و چگونگی برخورد با حاکمیت و فرصت ناگانی برای تبادل نظر بیشتر، موفق به تهیه سند مشترک نگردید. گروه کار به تهیه سند پیش نویس ارایه شده به گروه توصیه کرد طرح پیش نویس را به نام خود منتشر کند. اکنون این سند در نشریه کار منتشر می شود.

برنامه جمهوری ایران ساختار و مشخصات جمهوری ایران

۱ - جمهوری ایران نظامی است پارلمانی که در آن نهادهای قدرت مرکزی و محلی از نمایندگان مردم که از طریق انتخابات دورهای و دموکراتیک انتخاب میشوند، تشکیل میگردد. در تمام انتخابات حق رای مستقیم، مخفی و برابر و نیز حق انتخاب شدن به عنوان نماینده برای تمام شهروندان ۱۸ سال به بالا تضمین می شود.

در این جمهوری مجلس شورای عالی ترین نهاد حکومتی است و یگانه مرجع تجیه و تدوین قوانین و انتخاب و عزل هیئت دولت است. کلیه مقامات توه مجریه برای دوره معینی انتخاب می شوند. هیچ مقامی بیش از دو دوره قانون گذاری نمی تواند به عنوان مسئول توه مجریه برگزیده شود.

سازمان های صنفی، دموکراتیک و سیاسی بخش مهمی از ساختار سیاسی جمهوری ایران را تشکیل میدهند.

۲ - جمهوری ایران بر اساس تفکیک کامل قوا اداره می شود. هر یک از قوا در انجام وظایف خود مستقلند اما سایر قوا تابع و مجری قوانینی هستند که مجلس شورای تصویب میکند.

۳ - در این جمهوری استقلال توه قضاییه تضمین می شود و قوانین قضایی بر پایه پیشرفته ترین دست آوردهای بشری و با توجه به سن مردم تدوین می گردد. بی گناه شمردن افراد تا هنگام ارتکاب جرم، برابری همه مردم در مقابل قانون، لغو مجازات اعدام و تضمین مجازات متناسب با جرایم تامین می شود. دیوان عالی کشور عالی ترین نهاد قضایی است که اعضای آن توسط قضات کشور در انتخابات آزاد برگزیده می شوند. هیچ مقام دولتی و غیردولتی در مقابل این دیوان معنویت نخواهد داشت.

۴ - جمهوری ایران ساختار فدرالی دارد. فدرالیسم در ایران به خاطر وجود ملیت های گوناگون، تمرکز قدرت و بوروکراسی و به جهت ناموزونی رشد اقتصادی در مناطق مختلف کشور می تواند نقش مهمی در رفع ستم ملی، تقسیم قدرت و گسترش دموکراسی، رفع ناموزونی رشد اقتصادی و اهتلاز فرهنگی ایفا نماید.

۵ - جمهوری ایران نظامی است فیدراتیو لوزیک و غیرمذهبی که در آن دین و دستگاه روحانیت و به طور کلی ایدئولوژی از دستگاه دولت منفک شده و نهادها، ارزشها و آموزش بر پایه دین و ایدئولوژی معینی پی ریزی نمی شود. در این جمهوری آزادی وجدان، فعالیت سیاسی و اجتماعی پیروان ادیان و مکاتب، انجام فرایض دینی و فعالیت دستگاه روحانیت و حق آنان برای ادره مساجد، تکایا و اماکن مقدسه تامین میگردد.

۶ - جمهوری ایران حکومت قانون است و شهروندان و کلیه مسئولین اداره کشور موظف هستند قانون را از تمامی عمل خود قرار دهند. در این جمهوری کلیه خودکامی و بی قانونی مبارزه شده و سیادت قانون در جامعه، پرورش روحیه احترام به قانون در میان شهروندان و پاسداری از حقوق آنان از گزند خوددستی مسئولین حکومتی و نیز حق مردم در ارجاع شکایت به دادگاه در رابطه با اعمال غیرقانونی مسئولین تضمین می شود. در این جمهوری مسئولین از مزایا و امتیازات ویژه ای برخوردار نیستند.

۷ - در جمهوری ایران هلیت و حق دسترسی آزاد مردم به اطلاعات و اخبار و حق آنها از اطلاع یافتن از مسائل و رویدادهای کشور و جهان تضمین می شود. در این جمهوری رسانه های گروهی یکی از ارکان مستقل جامعه بوده و هیچ قدرتی مجاز نخواهد بود آزادی عمل آنها را نقض و جلو انتقاد را بگیرد. مسائل مهم جامعه در رسانه های گروهی به بحث همگانی و

حفظند. توجه به امکاناتی که دارد قادر بادامه حیات است. در همین حال در حال حاضر نمودی از اوج گیری جنبش توده ای برای پایان دادن به حاکمیت کنونی مشاهده نمیشود. از این رو مبارزه برای وادار کردن رژیم جمهوری اسلامی جهت تحقق خواست های مطالباتی به حق مردم و تامین آزادی های سیاسی و حقوق بشر باید تداوم یابد.

مبارزه علیه استبداد و تامین آزادیهای سیاسی نقش محوری در پیکار ما علیه جمهوری اسلامی و استقرار جمهوری ایران دارد که باید تمام مبارزات حول آن متمرکز گردد و همکاری ها و اتحادهای وسیع شکل گیرد. در همین حال ضروری است کار فرهنگی وسیعی برای ایجاد زمینه های تحول دموکراتیک در جامعه و دگرگونی فرهنگ سیاسی کشور صورت گیرد. در این راستا باید مبارزه فرهنگی - سیاسی را که در میهن ما جاری است، تقویت کرد.

مشی سیاسی ما مبتنی است بر تقویت ارتباط با مردم، تبلیغ و ترویج حقوق بشر، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم و ارزش های انسانی و بسیج و تشکل مردم بری تحقق آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم. ما در این راستا از خواست ها و

مبارزات مردم حمایت می کنیم. مبارزه برای آنچه در برنامه جمهوری ایران آمده است، تنها امر فردی رژیم اسلامی تلقی نمی کنیم. مبارزه برای تحقق وجود مختلف آن برنامه، جزو لاینفک خط مشی سیاسی ما در شرایط کنونی است.

سازمان ما در مبارزه سیاسی بر کاربست اشکال دموکراتیک و مسالمت آمیز مبارزه تاکید دارد و بکارگیری قهر، خشونت، شیوه های فیر انسانی و فیر اخلاقی را برای حل مسائل سیاسی و اجتماعی مردود می شمارد. رژیم اسلامی خشن ترین شیوه های قهر را برای اعمال حاکمیت خود بکار می گیرد. سازمان توسل مردم به قهر و قیام در مقابل سیاست سرکوب رژیم حاکم امری موجه می شمارد.

ما برای تامین حاکمیت مردم با توجه به اعتقاداتمان به کاربست اشکال مسالمت آمیز مبارزه، اجتناب از درگیری قهر آمیز نیروها، کنار گذاشتن سیاست انحصار طلبی و نفی و طرد دیگران، ایجاد تفاهم بین نیروهای سیاسی، تامین رای و اراده مردم و برای انتقال قدرت سیاسی از استبداد به دموکراسی شعار انتخابات آزاد مطرح می کنیم و برای تحقق آن مبارزه می کنیم. شرایط تحقق انتخابات آزاد میتواند در یک روند نسبتاً طولانی و در سایه گسترش جنبش توده ای و قدرت گیری اپوزیسیون فراهم شود. پیش شرط تحقق انتخابات آزاد در کشور، تامین آزادی مطبوعات و احزاب سیاسی است.

ما خواهان همکاری و اتحاد وسیع با همه نیروهایی که علیه استبداد و برای آزادیهای سیاسی و حقوق بشر مبارزه می کنند، هستیم. سازمان ما خواهان تشکل جبهه گسترده از شخصیت های سیاسی و اجتماعی احزاب و سازمان های ملی - دموکرات برای پایان دادن به حاکمیت رژیم کنونی و استقرار جمهوری در کشور است. سازمان مبارزه برای اتحاد نیروهای طرفدار استقرار جمهوری پارلمانی و دموکراسی در کشور را جزو وظایف خود می شمارد و می کوشد این جبهه به آلت راتیور رژیم موجود تبدیل شود.

سازمان مخالف نظام سلطنتی و مذهبی است. از این رو اتحاد جبهه ای با نیروهایی که چنین اهدافی را تعقیب می کنند، رد میکند. سازمان از حق موجودیت و فعالیت آزاده تمام نیروهای سیاسی کشور صرف نظر از عقاید آنها دفاع می کند و حق و سهم هر یک از آنها را برای حل و فصل مسائل اجتماعی و در اداره کشور بر سنجیت می شناسد. سازمان در مناسبات با نیروهای سیاسی کشور بر اصل مذاکره و گفتگو با هدف تقویت دموکراسی تکیه دارد و خواهان زدودن مناسبات خصمانه و مقابله جویانه میان نیروهای سیاسی کشور، دموکراتیزه کردن این مناسبات و ایجاد تفاهم بین آنها است.

نظرسنجی گذاشته شده و نتایج به اطلاع همگان می رسد.

۸ - در این جمهوری ارتش وظیفه پاسداری از مرزها و مقابله با تجاوزگری کشورهای دیگر را به عهده خواهد داشت. ارتش پیرو قانون اساسی بوده و به عنوان یک نهاد باید از دخالت در امور سیاسی دور بماند. ولی تمام نیروهای مسلح از حق شرکت در فعالیت های سیاسی برخوردار خواهند بود.

۹ - جمهوری ایران نظامی است به لحاظ اقتصادی چند ساختاری و مبتنی بر اشکال مختلف مالکیت. در این جمهوری اقتصاد کشور بر پایه بازار آزاد و برنامه ریزی هدایت شده و تسریع رشد تولیدات کشور، تامین رفاه مردم و عدالت اجتماعی ارکان اصلی سیاست اقتصادی آن است.

برنامه جمهوری ایران

۱ - انحلال ارگان های سرکوب، آزادی کلیه زندانیان سیاسی، اعلام آزادی بازگشت مهاجرین سیاسی، منع دخالت نهاد های مذهبی و دولتی در زندگی خصوصی شهروندان و تامین معنویت و امنیت آنها، منع بازداشت، زندان و تبعید خود دسرانه شهروندان. اجرای بی خدشه حقوق بشر، تضمین حق تشکیل و فعالیت احزاب و سازمان های سیاسی و تشکل های صنفی و دموکراتیک، شناسایی حق آنها در استفاده از رسانه های گروهی (از جمله رادیو و تلویزیون) و انتشار آزادانه مطبوعات، تشکیل اجتماعات و تظاهرات صلح آمیز، تامین آزادی بی قید و شرط بیان، عقیده، فلسفه، مذهب، حق اعتصاب، اجتماعات و تظاهرات، انتخاب شغل، محل سکونت، مسافرت، ترک و یا بازگشت به کشور، انتخاب لباس، تامین شخصیت حقوقی هر شهروند.

۲ - برنامه ریزی برای کاهش و کنترل رشد جمعیت، دگرگونی ساختار اقتصادی و قلبه بر ناموزونی رشد در توسعه بخش های مختلف اقتصاد و مناطق کشور، دگرگونی اقتصاد تک پایه ای و کاستن از تورم بخش خدمات و مبارزه جدی با واسطه گری، دلالی، بورس بازی و احتکار. ایجاد تسهیلات ضرور برای سرمایه گذاری در هر صده تولیدات صنعتی و کشاورزی و سوق دادن نیروی کار و سرمایه به سوی تولید.

۳ - کاستن از میزان مالکیت دولتی از طریق ارائه سهام واحدهای تولیدی به کارکنان آنها، واگذاری بخشی از واحدهای تولیدی به بخش تعاونی و خصوصی، محدود کردن فعالیت بخش دولتی در رشته های استراتژیک و صنایع کلیدی سرمایه بر، دموکراتیزه کردن اداره واحدهای تولیدی تحت مالکیت و اداره دولت. انحلال دستگاه ها، نهادها و بنیادهای زائد، ادغام نهادها و ارگان های موازی و مضاعف، کاستن از هزینه ها و تورم دستگاه اداری کشور، کاهش تمرکز در دستگاه دولتی، مبارزه با بوروکراسیسم و فساد، اصلاح بنیادی شیوه های مدیریت با بکارگیری تکنولوژی مدرن، دموکراتیزه کردن ساختار و اداره دستگاه های دولتی و تجویز آتجاه کارهای متخصص و قادر به مردم.

۴ - گسترش مبادلات و همکاری های فنی و اقتصادی برابر حقوق و عادلانه با سایر کشورها، جلب سرمایه های خارجی جهت گسترش تولیدات و جذب تکنولوژی مدرن، تلاش برای تبدیل صنایع مونتاژ به صنایع تولیدی، گسترش و نوسازی صنایع، توسعه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و تکیه بر صدور محصولات آنها به جای نفت، بهره برداری علمی و آینده نگرانه از معادن و منابع طبیعی کشور.

۵ - تامین قوانین ضرور و اتخاذ سیاست های مالیاتی، مالی و بودجه گزاری در جهت تامین منابع محرومان جامعه و کاستن از فاصله بین درآمدها، به کارگیری اجرم مالیات تصاعدی برای کنترل سود سرمایه داران، جلوگیری از شکل گیری انحصار در رشته های مختلف اقتصاد و تمرکز فوق العاده ثروت و قدرت اقتصادی در دست هدهای محدود، گسترش مالکیت های جمعی از جمله سهمیم شدن کارگران و کارمندان واحدهای تولیدی و خدماتی در مالکیت آنها، حمایت از صندوق های بیمه، بازنشستگی و سازمان های تامین اجتماعی و گسترش هر چه وسیع تر تامین اجتماعی. حمایت و تقویت تعاونی های مصرفی و اتخاذ سیاست های ضرور برای جلوگیری از چپاول تجار.

۶ - القای بقایای اشکال استثمار فئودالی، گسترش بهره برداریهای بزرگ کشاورزی و دامداری، به کارگیری تکنولوژی مدرن کشاورزی، پایان دادن به فارتگری سلف خرها و واسطه جا، بجنبه دشرایطکار و زندگی کارگران کشاورزی.

۷ - دفاع از تمامیت ارضی، منافع ملی ایران، بهره گیری از امکانات دیگر کشورها بدویژد کشورهای پیشرفته صنعتی برای تسریع رشد اقتصادی - اجتماعی کشور بر اساس سود متقابل. اتخاذ سیاست خارجی مستقل، پیروی از اصول همزیستی مسالمت آمیز، عدم تعهد، عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها، دفاع از صلح و امنیت بین المللی، مبارزه برای زدودن سیاست زور در مناسبات بین دولت ها و جایگزینی گفتگو و مذاکره و همکاری به جای آن، همکاری فعال با نهادهای جهانی

توضیحی پیرامون

'برنامه سیاسی-اجتماعی سازمان نوین ما'

جوهری

توضیح:

گروه کار تدارک اسناد، به منظور کمک به تشریح بیشتر اسناد و طرح‌های ارایه شده به کنگره دوم سواتی رادر تاریخ ۱۵ خردادماه در نشریه کار منتشر ساخت و طی نامه جداگانه‌ای به اطلاع تدوین کنندگان اسناد موجود رساند و از اعضای سازمان خواست به آنجا پاسخ دهند. متأسفانه از آن تاریخ تاکنون جز رفاقا جوهری و فرخ نگهدار، سایر رفاقا از این پیشنهاد و ابتکار گروه کار استقبال نکردند. در این شماره متن پاسخی رفیق جوهری درج شده است و در شماره آتی پاسخ‌های رفیق نگهدار درج خواهد شد.

س - جنبش چپ در جهان و ایران تحولات بنیادینی را از سر می‌گذراند. نظر شما در مورد تحولات جنبش چپست و چه ارزیابی از این تحولات و سمت آن دارید؟

ج - تحولاتی که طی ۲ دهه اخیر در جهان و ایران رخ داده، آنچنان گسترده و سریع، آنچنان شگرف و پیچیده است که واقعا باور نکردنی است و به یقین می‌توان گفت این تحولات اثرات خود را بر تمام احاد مردم ایران بجاگزارده به طریق اولتر نیروی آگاه و روشنگر ایرانی را نیز بر بستر این تحولات قرار داده اگرچه تغییراتی که طی چند سال گذشته در فکر و اندیشه ما وجود آمده مروری کوتاه نمائیم می‌توانیم هم تحولات را درک کنیم

جامعه بشری ضربات سخت و جبران ناپذیری را وارد نموده است. تجربه بلوک شرق و درراس آن اتحاد شوروی و تجربه جمهوری اسلامی در دورانی که در آن سپری می‌کنیم بروشنی بیان کننده آنست که تمام تجربه تاریخی حکم خود را بر شکست این تفکر رانده و بر این اساس است که در برنامه پیشنهادی تعدادی از کادرها داخل کشور آمده "ما به عنوان یک سازمان سیاسی، مدافع هیچ مکتب ایدئولوژی - فلسفی نیستیم! اعضا، ما در انتخاب هر عقیده مذهبی - فلسفی و مکتبی آزاد هستند سازمان ما بر اساس برنامه سیاسی - اجتماعی شکل می‌گیرد. ما خواهان جدایی باورهای ایدئولوژیک - فلسفی و دین و مرام از فعالیت سیاسی هستیم. ما خواهان جدایی دین و مرام از دولت هستیم"

در رابطه با سمت گیری اجتماعی و طبقاتی با هویت جنبش ملی - دموکراتیک باید بگویم ما از مبارزه طبقاتی فاصله گرفته ایم و به سمت مسابقت و رقابت طبقاتی گرایش پیدا کرده ایم. ما در گذشته، مبارزه طبقاتی با حذف یک طبقه همراه بود. در صورتیکه مجموعه جامعه جهانی بویژه جامعه ایران نشان می‌دهد که حذف یک طبقه در شرایط کنونی، مبارزه‌های تخیلی است.

بمضمون آنکه سمت گیری اجتماعی معینی داریم و در میدان طبقاتی و محرومان، زحمتکشان و کارگران جامعه مان قرار گرفته ایم. معتقدیم باید جنبش ملی - دموکراتیک زمینه‌هایی را فراهم نماید که این طبقات که دارای پتانسیل و انرژی سرشاری هستند بتوانند با امکانات برابر در این مسابقت و رقابت طبقاتی حضور یابند و ایمان داریم اگر جنبش دموکراتیک و ملی در جهت برآوردن چنین امکاناتی حرکت کند محرومان و زحمتکشان و کارگران در این مسابقت در رقابت عقب نخواهند ماند.

ما به صراحت اعلام می‌کنیم در جهت نابودی قهرآمیز سرمایه دار و سرمایه داری حرکت نمی‌کنیم بلکه در این مسابقت رقابت طبقاتی در جهت کاهش و به طریق اولتر از بین بردن ستم طبقاتی کام بر می‌داریم و معتقدیم اگر جنبش ملی - دموکراتیک شرایط خوبی برای این مسابقت و رقابت ایجاد نماید نتیجه برای مردم ایران پیشرفت و رفاه خواهد بود و ما از تمام انرژی موجود جامعه حداکثر استفاده را خواهیم کرد البته بحث در این رابطه کاملا باز است و راقم این سطور با اعتراض و صداقت اعلام می‌کند که یقین کامل در رد مبارزه طبقاتی ندارد بلکه تجربه مشخص زندگی این فکر را که باید از مبارزه طبقاتی به سمت مسابقت و رقابت حرکت نمود ایجاد کرده است.

شرق سابق، و همچنین در برخی از کشورهای به اصطلاح روبه رشد که بنام سمگتیری سوسیالیستی معروف بودند بنام سوسیالیسم خطاها و اشتباهات عظیمی را مرتکب شدند و به قول معروف پنبه سوسیالیسم عملا موجود زده شد.

البته برخی از این کشورها و همچنین احزاب سوسیال دموکراتیک، با شعار سوسیالیسم و تعریف سیمایی از این شعار، برای مردمان نسبت به آن جاذبه معینی ایجاد نموده اند. در مورد مردم ایران (البته نمی‌خواهم بنام آنان صحبت کنم تنها برداشت شخصی خودم را می‌گویم و در محدوده طیف آدم‌هایی که با آنان برخورد کرده‌ام) فکر می‌کنم که سوسیالیسم را مترادف با حاملان اندیشه م، بل میدانند و معتقدند این شعار برای مردم ما با توجه به تجارب ۵ دهه اخیر جاذبه‌ای ندارد. وقتی طرح پیشنهادی برنامه تعدادی از کادربهای داخل کشور مورد بحث و بررسی بود، بحث‌های زیادی در مورد سوسیالیسم کردیم نتیجه آن بود که در برنامه خود نامی از سوسیالیسم و یا ارزش‌های سوسیالیستی نیاوریم چون نسبت به آن ایمان کامل نداشتیم نه آن را درمی‌کردیم و نه آن را تأیید می‌نمودیم حتی در رونق تغییرات فکری و قتیکه سوسیالیسم را به عنوان یک آرمان اجتماعی فراگیر جدا از فلسفه و مکتب قرار داده بودیم و آن را بنام ارزش‌های سوسیالیستی و نظام ارزشی ارزیابی می‌کردیم باز هم اندوخته فکری کم مادر این زمینه که تعریف نوینی از سوسیالیسم بدهد و پایه‌های محکمی داشته باشد ما را به این سمت سوق داد اگر ماه شکل عالی و همپیوسته در پیشرفت اقتصادی، دموکراسی سیاسی، عدالت اجتماعی و فرهنگ اومانیستی و جامعه انسانی مبتنی بر صلح و برادری معتقدیم همین مقولات را تدقیق می‌کنیم و در برنامه می‌آوریم و احتیاجی به اینکه شعاری بدهیم که در پشت آن زشتی‌ها و زیبایی‌هایی قرار دارد و افراد و جریانات مختلفی با نظرهای گوناگون و تعبیر و تفسیرهای مختلف نسبت به آن برخورد می‌کنند و در ضمن برای مردم ما جاذبه‌ای ندارد. اگر نظری کوتاه به تعاریفی که از سوسیالیسم توسط جریانات و افراد درون و بیرون صورت گرفته بیندازیم به روشنی معلوم میشود که اندوخته فکری در پشت این تعریف‌ها جویداست بیشتر حالت شعاری و خود فریبی و در جازدن در همان تفکرات کلیشه‌ای سابق باعث مطرح کردن سوسیالیسم در برنامه‌ها بوده است. آگاهی در پس تعریف سوسیالیسم بسیار کم و سطحی است.

س ۶ و ۷ - خط مشی سیاسی پیشنهادی شما در رابطه با جمهوری اسلامی چیست در مورد شعار انتخابات آزاد چه نظری دارید؟

ج - در برنامه پیشنهادی تعدادی از کادربهای داخل کشور در مورد خط مشی مادر باره رژیم جمهوری اسلامی آمد. "برخورد ما با رژیم ج - ا بر پایه درک مفاهیم دموکراسی

کند و در این راستا مرجعیت خواهد بود بر این اساس با اعمال فشار مردم و تمامی جنبش‌های ترقیخواه سیاسی، برای عقب‌نشاندن رژیم در برابر خواستهای آزادیخواهانه و هدالتجویانه مردم و ایجاد دموکراسی باتکیه بر همه‌پرسی و انتخابات آزاد کام بر می‌داریم ما خواهان دموکراسی به شکل جمهوری پارلمانی با اتکال به رای آزادانه مردم هستیم خواست اصلی ما در برابر رژیم ج - ا، پذیرش انتخابات آزاد پذیرش رای آزادانه مردم و تعیین مجلس نمایندگان مردم در شرایطی که احزاب و جنبش‌های سیاسی آزادانه فعالیت کنند.

ما مبارزه علیه استبداد و... را در چارچوب دستیابی به خواستهای دموکراتیک و هدالتجویانه مردم از طریق مسالمت‌آمیز باتکیه بر درک صحیح مفاهیم دموکراسی میدانیم. ما رژیم را به خاطر عدم پذیرش انتخابات آزاد زیر سؤال می‌بریم و تمام کوشش خود و دیگر نیروهای مردمی را متمرکز می‌کنیم که رژیم تن به عقب‌نشینی بدهد و انتخابات آزاد را بپذیرد و تمام فعالیت‌های خود را در چارچوب مسالمت‌آمیز سامان می‌دهیم."

مردم را که در طول ترون متمادی زیر پا گذاشته شده به منصف ظهور برساند این مرجعیت در شرایط کنونی جهانی از طریق انتخابات آزاد اعمال شود.

س ۸ - در مورد سیاست‌های ائتلافی سازمان چه پیشنهادی دارید؟

ما باید چنان ائتلافی را پیشنهاد و در جهت حرکت کنیم که در جامعه ما پایه‌های مادی محکمی داشته باشد و برنامه ائتلاف بیان کننده خواست‌های اکثریت مردم ایران باشد تا بتواند شعاع ائتلاف را از چند سازمان محدود به یک جامعه گسترش دهد، چنین ائتلافی وقتی امکان پذیر است که شناخت درست و حقیقی از جامعه ایران وجود داشته باشد. در حال حاضر مسئله دموکراسی و آزادی تمامی احاد مردم ایران را در بر می‌گیرد و مهمترین و مهمترین هدف هر نیروی آزادمندی است که در جهت برقراری دموکراسی و آزادی حرکت کند و همه نیروهای پراکنده را حول برنامه دقتی از دموکراسی و آزادی گرد آورد.

آزادی یک ارزش عموم بشری و دستاورد کل جامعه بشریت است و این ارزش‌ها هم‌اکنون در اعلامیه جهانی حقوق بشر و ضمیمه آن متبلور است و اجرای همین اعلامیه در جامعه ایران می‌تواند بخشی از برنامه ائتلاف باشد.

برقراری دموکراسی یعنی حکومت مردم بر مردم یعنی اعمال مرجعیت مردم یعنی انتخابات آزاد، پلورالیسم سیاسی، آزادی احزاب، آزادی بیان و مطبوعات و... همه اینها از محورهای محمی هستند که میتواند نیروهای مختلف را حول ائتلاف گرد آورد.

در برنامه پیشنهادی تعدادی از کادربهای داخل کشور آمده است "مبنای اتحاد وسیع نیروهای سیاسی کشور مخالفت با استبداد و دفاع از لزوم استقرار دموکراسی در کشور خواهد بود بر این مبنای می‌توان گسترده‌ترین اتحادها را با جریانات مختلف سیاسی سازمان داد این اتحادها براب حقوق است و هیچ سازمانی بر دیگری ارجحیتی ندارد و هر سازمان مدافع و مبلغ برنامه مورد نظر خود است.

مردم را که در طول ترون متمادی زیر پا گذاشته شده به منصف ظهور برساند این مرجعیت در شرایط کنونی جهانی از طریق انتخابات آزاد اعمال شود.

س ۸ - در مورد سیاست‌های ائتلافی سازمان چه پیشنهادی دارید؟

ما باید چنان ائتلافی را پیشنهاد و در جهت حرکت کنیم که در جامعه ما پایه‌های مادی محکمی داشته باشد و برنامه ائتلاف بیان کننده خواست‌های اکثریت مردم ایران باشد تا بتواند شعاع ائتلاف را از چند سازمان محدود به یک جامعه گسترش دهد، چنین ائتلافی وقتی امکان پذیر است که شناخت درست و حقیقی از جامعه ایران وجود داشته باشد. در حال حاضر مسئله دموکراسی و آزادی تمامی احاد مردم ایران را در بر می‌گیرد و مهمترین و مهمترین هدف هر نیروی آزادمندی است که در جهت برقراری دموکراسی و آزادی حرکت کند و همه نیروهای پراکنده را حول برنامه دقتی از دموکراسی و آزادی گرد آورد.

آزادی یک ارزش عموم بشری و دستاورد کل جامعه بشریت است و این ارزش‌ها هم‌اکنون در اعلامیه جهانی حقوق بشر و ضمیمه آن متبلور است و اجرای همین اعلامیه در جامعه ایران می‌تواند بخشی از برنامه ائتلاف باشد.

برقراری دموکراسی یعنی حکومت مردم بر مردم یعنی اعمال مرجعیت مردم یعنی انتخابات آزاد، پلورالیسم سیاسی، آزادی احزاب، آزادی بیان و مطبوعات و... همه اینها از محورهای محمی هستند که میتواند نیروهای مختلف را حول ائتلاف گرد آورد.

در برنامه پیشنهادی تعدادی از کادربهای داخل کشور آمده است "مبنای اتحاد وسیع نیروهای سیاسی کشور مخالفت با استبداد و دفاع از لزوم استقرار دموکراسی در کشور خواهد بود بر این مبنای می‌توان گسترده‌ترین اتحادها را با جریانات مختلف سیاسی سازمان داد این اتحادها براب حقوق است و هیچ سازمانی بر دیگری ارجحیتی ندارد و هر سازمان مدافع و مبلغ برنامه مورد نظر خود است.

جهان معاصر و بفرنجی های تحول آن

مصاحبه خبرنگار کار با یوری کراسین

یوری آندریویچ کراسین، دکتر علوم فلسفه و رئیس انستیتو علوم اجتماعی در مسکو است. او از نظریه پردازانی است که بویژه پس از شروع پرسترویکا در اتحاد شوروی به دلیل نظریات نو و شجاعانه اش پیرامون مسائل سوسیالیسم، شهرت فراوانی پیدا کرد. خوانندگان "کار" از طریق ترجمه مقالاتش با اندیشه های او آشنا شدند.

خبرنگار نشریه "کار"، الف. حکیمی در ۱۹ ژوئن سال جاری مصاحبه ای با یوری کراسین انجام داده که در آن مسائلی نظیر: سوسیالیسم، تاریخ و آینده اش، محافظه کاری نوین و چشم اندازهایش و مسایل کشورهای جهان سوم و راه های رشد آن مورد بحث قرار گرفته است.

آنچه در زیر می خوانید، متن کامل این مصاحبه است.

* * *

س - بحث پیرامون حزب ایدئولوژیک یا به بیان دیگر رابطه ایدئولوژی با حزب سیاسی چه، از مباحث جدی مطرح در میان نیروهای چپ است. امروزه این ایده به طور جدی مطرح است که ایدئولوژی برای حزب سیاسی چپ ضروری نیست. ج - قبل از هر چیز باید دید که چه برداشتی از مفهوم "ایدئولوژی" داریم، زیرا تعریف های گوناگونی از آن می شود. غالباً گفته می شود که ایدئولوژی، سیستمی است از اندیشه ها و ایده ها که منافع طبقات یا قشرهای معین اجتماعی را انعکاس میدهد. اگر چنین تعریفی پذیرفته شود، آن گاه مخرج مشترک برای ایدئولوژی نیروهای چپ، ایده سوسیالیسم است که به طور سنتی با منافع طبقه کارگر پیوند داشته است.

حرف تازه ای نیست اگر بگویم که امروزه، نیروهای چپ به لحاظ ایدئولوژیک دچار بحرانند. لکن مهم این است که دلایل این بحران را در پیابیم. به گمان من این دلایل با تحول در تمامی اوضاع و احوال جهان مربوط است. مسائل گلوبال با چنان حدت و شدتی پدیدار شده اند که اساساً هستی نوع بشر را زیر سوال برده اند. از جمله این مسائل می توان به خطرات مهلک جنگ هسته ای، مخاطرات سوانح اکولوژیک، مسائل کشورهای جهان سوم، آلودگی موزون (یا به عبارتی بصر به شتاب گرفته) و...

انسان (اشاره به انسان) در این شرایط، در جستجوی راهی است که بتواند از این بحران نجات یابد. این بحران را می توان به سادگی انسانی - که بدون آن ارزش های خود زندگی بی مفهوم میشود - در روز بروز کمتر میشود. حدت مسائل گلوبال، اهمیت و برتری ارزش های مضمون بشری را به دست می آید. روز بروز کم تر است. اما دقت کنید که ایدئولوژی چپها تاکنون همیشه بر برتری ارزش های طبقاتی و اجتماعی تاکید داشته است. اکنون از حیثیت هاتقیب یافته اند. منافع طبقاتی - اجتماعی یا ملی - دولتی علیه اهمیت شان، باید از اهمیت خود بگذرند. این چرخش در جهت مثبت است.

برای نیروهای چپ، بحران آورده است. دلیل دیگری که در ایجاد این بحران ایدئولوژیک موثر بوده، تصور سنتی است که از سوسیالیسم و راه های رسیدن به آن وجود داشته است. حال که سوسیالیسم در هر ۳ وجه بنیادین خویش (هم به مثابه دکترین، هم به مثابه جنبش و هم به مثابه ساختار اجتماعی) با بحرانی عمیق درگیر شده، دیگر برای ما کم و بیش روشن شده است که سوسیالیسم چه نباید باشد و کدام مسیرها برای رسیدن به آن غیر قابل پذیرش است. لکن هنوز تصویری بسیار مبهم از آنچه که باید باشد و راه رسیدن به آن داریم. هم این مسائل بنیادین ایدئولوژی چپ را متزلزل چپ را متزلزل میکند.

سومین دسته از دلایل بحران به تغییر و دگرگونی در ترکیب نیروهای اجتماعی که پیشبرنده تحول و ترقی جوامع هستند، مربوط می شود. امروزه نیروی تحول اجتماعی دیگر فقط طبقه کارگر نیست، اگر مقصود آن قشر از طبقه کارگر باشد که عمدتاً کار بدنی می کنند و توسط انقلاب تکنولوژیک در حال بیرون رانده شدن از پروسه تولید هستند. زیرا آنها اکنون در شرایط یک مبارزه دائمی در راه منافع صنفی خود هستند. این منافع را حتی نمی توان منافع تمامی طبقه کارگر نامید چه رسد به آنکه بگوئیم مبارزهای است از موضع منافع ملی یا مضمون بشری. به این دلیل اهمال مژ مونی سیاسی از سوی آنها با مضمون می که آنتونیو گرامشی تعریف می کرد، به کلی غیر ممکن است.

در همین حال نیروهای اجتماعی جدیدی به میدان مبارزه سیاسی آمده اند. بخشی از آنها طبقه کارگر جدید هستند که با تکنولوژی پیشرو سرو کار دارند. یعنی کسانی که بیشتر با کار فکری درگیرند تا کار فیزیکی. منافع این اقشار را آنچنان ارزش های سوسیالیستی پاسخ می دهد که از گرد و غبار و کژی های اندیشه همایانه گذشته رهایی یافته باشد. آنها به دنبال جامعه ای انسانی و دمکراتیک هستند که به دلایلی قابل فهم از سوسیالیستی نامیدن آن گریزانند. ولی با توجه به اصول، ملاک ها و معیارهای حاکم بر آن جامعه، می توان سوسیالیستی اش نامید. خلاصه کنم، پایه اجتماعی ایدئولوژی چپ دچار تحولی کیفی شده است. انتشار نوینی در آن وارد شده اند که دگم های "مارکسیسم کلاسیک" برایشان قابل قبول نیست. به دلایل گوناگون و مهم تر از همه به دلیل شکست "سوسیالیسم واقعا موجود"، این دگم ها برایشان جذبه ای ندارند. در بحث جدی درباره سوسیالیسم با این اقشار نیاز به فرهنگ واژگانی نوین و بازنگری خلاقانه به تمامی دستگاه تئوری سوسیالیسم منطبق با واقعیات جهان امروز، وجود دارد.

شما میگوئید که برخی ها معتقدند ایدئولوژی برای احزاب چپ دیگر ضرورتی ندارد. من اعتقاد دارم که ایدئولوژی اساساً برای هر نیروی سیاسی ضرور است. هیچ حزب سیاسی را بدون ایدئولوژی نمی توان یافت. اما چپ ها اکنون احتمالاً باید یک مرحله "پراگماتیسم سالم" را از سر بگذرانند. چنین مرشدانی بدان دلیل ضرور است که آنها را از زیر بار دگم های کهنه شده گذشته رهایی بخشد. برخی از این دگم های خطا، از همان آغاز با توجهات و رمانتیسم مربوط به مراحل اولیه جنبش طبقه کارگر زاده شده اند.

به همین دلیل واقعیات آن دوره در انعکاس میدهند و امروز دیگر همگرایی ندارند. زیرا همانگونه که گفتیم، جهان همگرا دگرگونی شده است. در همین حال رها شدن از زیر بار "نیروی ماند" را از سر بگذرانند. اجتماعی، احتیاج به زمان دارد. پراگماتیسم متزلزل برای احزاب چپ، ضرورت تام و تمام دارد.

برای من هیچ تردیدی وجود ندارد که این ایدئولوژی نوین ۲ نکته اساسی را در مضمون خویش خواهد داشت. اول - انعکاس منافع زحمتکشان به مفهوم همومی و امروزین آن، دوم - پایبندی به سیستم ارزش های سوسیالیستی به مفهوم انسانی و اندویدوالیسم. آخرین جیلاس "اخیرا در مصاحبه ای گفته بود که سیستم او نظام حاکم بر اتحاد شوروی در سال های پس از اکتبر بیش از هر چیز به "انئودالیسم صنعتی" شبیه است. اما شما حتی در آخرین نوشته جایتان نیز آنرا "سوسیالیسم بورکراتیک" نامیده اید. به کدام دلایل میتوان ثابت کرد که این نظام، سوسیالیستی (ثیریم نوع بورکراتیک آن) بوده است؟

ج - برای پاسخ به سوال شما باید پیش از هر چیز روشن کرد که سیستم ارزش های سوسیالیستی چیست. تا آنجا که من اطلاع دارم، اصطلاح سوسیالیسم برای نخستین بار در سال ۱۸۳۴ توسط اندیشمند فرانسوی پیر لرو Pier Lero به کار گرفته شد. او در این معنا چیزی متضاد با اندویدوالیسم را در نظر داشت، که نوعاً قابل فهم است.

مدت های مدید ما لیبرالیسم را در مقابل سوسیالیسم قرار می دادیم. ولی من گمان می کنم که نقاط مشترک فراوانی میان این دو موجود است. اندویدوالیسم از ایدئولوژی بورژوا - لیبرالی سرچشمه می گرفت و آغازش به دوران روشنگری و نخستین انقلابات بورژوازی برمی گردد. "آزادی انسان" میان سوسیالیسم و لیبرالیسم شعار و هدف مشترک است. اما نقطه اختلاف و تفاوت در کجاست؟ به اعتقاد من، لیبرالیسم، آزادی را در سیستم مشخصات فردگرای برسی می کند و سوسیالیسم آن را با جمع گرایی مرتبط می سازد. در چارچوب لیبرالیسم، آزادی در نهایت امر برای قوی ها در جامعه تامین می شود و برای آنها شرایط برروز و ظهور

توانایی هاشان را فراهم میسازد. اما افراد ضعیف جامعه به شکل انسان جای در چه ۲ ندگی می کنند. در مراحل اولیه رشد سرمایه داری، اینان ستمکشان و محرومین جامعه بودند (که امروز همین منظره را در کشورهای در حال رشد می توان یافت). اما در مرحله کنونی رشد جوامع صنعتی غرب، با ایجاد سیستم های تامین اجتماعی شرایط ضعیف ها بهبود کیفی؛ به نسبت گذشته پیدا کرده است. البته این مکانیزم های تامین اجتماعی به هیچ ترتیبی بذل و بخشش داوطلبانه قوی ها و ثروتمندان نبوده، بلکه در نتیجه مبارزه طولانی و تاریخی طبقه کارگر و جنبش دمکراتیک حاصل شده است. سیستم های تامین اجتماعی (نظیر آنچه که مثلاً اکنون در سوئد وجود دارد) طبیعتاً دستاورد بزرگی است، لکن این سیستم ها نیز هنوز نتوانسته برای ضعیفان جامعه آن شرایطی را فراهم کند که تمامی ارزش های خود را به میدان آورند و تمامی استعدادهاشان را به کار گیرند. آنها هنوز هم تحقیر انسان های درجه دو را تحمل می کنند، چرا که نوعاً مصرف کنندگان ثمره کار قوی ترها و با استعدادترها هستند.

در تمایز با لیبرالیسم، سوسیالیسم برای ایجاد چنان شرایط اجتماعی مبارزه می کند که در آن امکانات مساوی برای رشد و بروز توان های تمامی افراد قوی و ضعیف جامعه فراهم شود. می توان به شکل دیگر مسئله را از زاویه ارتباط متقابل میان ۲ مفهوم آزادی و برابری نگاه کرد. لیبرالیسم آزادی را به حساب قربانی کردن برابری تضمین می کند، آزادی را به کسانی می دهد که توانایی دارند لذا برابری را از بین می برد. سوسیالیسم باید در راستای تلفیق هر دو نیک این دو سمتگیری کند. فراموش نکنید که تضاد میان آزادی و برابری همیشه وجود خواهد داشت. زیرا که وجود جامعه متحدالشکل متوسطاً غیر ممکن است. استعداد و توانایی انسان ها همیشه متفاوت است و همین امر تضاد آزادی با برابری را بوجود می آورد. این تضاد (که همیشه در حال تجدید تولید خود است) را باید همواره توسط تنظیم کننده هایی که در آن جدت انداخت، طوری که ارزش اجتماعی تمامی انواع فعالیت انسان ها را همتراز کند و امکانات برای تامین شکوفایی استعدادها و رضایت درونی هر فرد جامعه را فراهم سازد. چنین امکانی تنها در آن سیستم هماهنگ جمعی فراهم می شود که هر فرد، شرکت کننده ای موثر در "اتحادیه تولیدکنندگان آزاد" ارزش های معنوی و مادی است. بگذار هر کس کاری را که می تواند انجام دهد، توانایی های خود را بروز دهد و جای خود را در جامعه بیابد.

س - اما تجربه سوسیال - دمکراتها (در آنجایی که حکومت را درست گرفته اند)، نشان می دهد که تا امروز در سطح کنونی رشد جامعه بشری، سوسیالیسم تنها در هر صده تری شریک اجتماعی قابل اجراست، یعنی کاربرد همین تنظیم کننده ها به نفع ضعیف ها در مرحله توزیع، اما حرکت به سوی تسری آن به هر صده تولید اجتماعی، او اتوریسم بوده و نتایج ناموفق تری به بار آورده است.

ج - بی شک همین طور است. به همین دلیل من می گویم که تضمین آزادی فرد و برابری میان افراد، سطح بالاتری از رشد جامعه را طلب می کند. یعنی آن وقتی که دیگر هم نان روزانه دیگر مطرح نباشد. جامعه به چنان حدی برسد که به گفته مارکس، ثروت جامعه دیگر نه با فعالیت در ساعات کار بلکه با فعالیت ساعات استراحت اندازه گیری شود. یعنی ممکن است همین افرادی که در هر صده تولید قابلیت های جدی دارند، در هر صده های دیگری که با برنامه ریزی ساعات تفریح و استراحت مردم مربوط است، قابلیت های خود را بروز دهند. حصول به چنین مرحله ای که تساوی ارزش اجتماعی انواع فعالیت های بشری و در نتیجه امکان بروز استعداد و شکوفایی تمامی انسان ها را فراهم می آورد. در مرحله کنونی چنانکه اشاره کردید، یکی از اجزای اساسی تامین عدالت اجتماعی، تقسیم آگاهانه ثروت ملی به آن ترتیبی است که شرایط زندگی افراد جامعه را تا حدی دمهینی به هم نزدیک سازد. اما حل ریشه ای و اساسی مسئله، تنها در جامعه ای با سیستم هماهنگ شده کلکتیف میسر است. چنین راه حلی را مارکس در مانیفست حزب کمونیست چنین فرمول بندی کرده است: تکامل آزادانه هر فرد، شرط تکامل آزادانه همگان است.

حال بازگردیم به بحث پیرامون آن سیستمی که در اتحاد شوروی حاکم بوده و من عنوان سوسیالیسم اداری - فرماندهی بر آن نهادم. وقتی در ۱۹۱۷ انقلاب اکتبر به وقوع پیوست، مارکسیست های آن

دوره (نه تنگالین، بلکه دیگرانی نظیر کائوتسکی، پلخانف و مارتف) بلااستثنا گمان می کردند که سرمایه داری به آن حدی از رشد و تکامل خود رسیده که شرایط عینی برای استقرار سوسیالیسم فراهم است. از سکوی امروز که به گذشته می نگریم، می بینیم که چنین فکری خطای محض بود. کاپیتالیسم، حتی در کشورهای رشد یافته صنعتی هم هنوز تمامی ظرفیت و توان خود را به پایان نبرده است. با این حساب و موقعیت آن روز (یعنی مراحل ابتدایی رشد سرمایه داری) تنها می توانست اشکال ابتدایی جامعه سوسیالیستی پدیدار شود. باز هم تمامی این اندیشمندان مارکسیست تماماً گمان می کردند که برای تحقق سوسیالیسم کافی است که مالکیت و سایل تولید، دولتی شود. می پنداشتند که "دولت مردمی" مطابق نیازهای توده ها، امر تولید را اداره و تنظیم خواهد کرد و عدالت اجتماعی را برقرار خواهد نمود. در آن سطح از رشد و تکامل، تنظیم کننده های تولید جامعه سوسیالیستی و نیز توزیع درآمدها به طور عینی تنها در چارچوب "سوسیالیسم دولتی" ممکن بود. به بیان دیگر این فکر را می توان ایده سوسیالیسم در مراحل نخستین خود و متناسب با رشد آن دوره جامعه بشری تلقی کرد. به چنین معیار واقعی و نیاز عینی، ساختاری که پس از انقلاب اکتبر در روسیه بوجود آمد، پاسخ می داد.

اکنون اما می بینیم که "سوسیالیسم دولتی"، مدل ابتدایی و به این لحاظ کهنه سوسیالیسم را ارائه میدهند. لکن فراموش نباید کرد که همین ساختار راه را برای تکامل سوسیالیسم به مدلهای نضج یافته ای باز کرد.

اما بعدتر چه شد؟ لنین در آخرین آثارش به ضعف و کمبودهای "سوسیالیسم دولتی" پی برد و محکمه های آن را دریافت. دولتی کردن و سایل تولید، ریشه های از خود بیگانگی تولید گران را از میان نبرد، بلکه رفته رفته از دل آن، بوروکراسی زاده شد. آن بوروکراسی هم قشر کارمندان و بوروکرات ها بیرون آمدند که دیگر تنظیم کننده های دولتی را به نفع مردم، بلکه به نفع خودشان به کار گرفتند.

لنین بی آنکه خجالت بکشد یا نگران شود، شروع به بحث پیرامون تغییر نقطه نظرهایش درباره سوسیالیسم کرد. نوشته ها و تحقیقات او در این زمان همدتا روی ایده کنترل دمکراتیک به مکانیزم دولتی و دمکراتیزه کردن دولت متمرکز بود. لکن دیگر دیر شده بود و او اثری پیشبرد این ایده ها را نداشت. پس از مرگش هم توجهی به این ایده ها نکردند. گفتند که این ها حرف های هجیب و غریب آدمیزاد بیماری است. یادتان باشد که بسیاری از نوشته های متأخرش تا مدت های مدید چاپ نشد و انتشار نیافت. لذا به سرعت به فراموشی سپرده شد.

تراژدی ما در این نیست که در کشورمان "سوسیالیسم دولتی" استقرار یافت، بلکه در آنجاست که بعد از مرگ لنین هم امکان تحقق واریانت های مختلفی از سوسیالیسم دولتی وجود داشت. ولی آنچه که طبقه پیدا کرد نوع اداری - فرماندهی سوسیالیسم دولتی یعنی استبداد خشن و کیش شخصیت استالین به بیان دیگر این ساختار راه دمکراتیزه شدن و صعود به مراحل بالاتر اطلاق نکرد. و راه استقرار سیستم اداری - فرماهدی پیش رفت که همین سوسیالیسم دولتی را به بن بست منی کشاند. پس فاجعه آنجا بود که اکثر تاتیوهای دیگری که برای تکامل سوسیالیستی تلاش میکردند، بلوکه و محاصره شوند و بعدتر خاموش و خفه، شما می دانید که چنین بدیل هایی وجود داشت. شما با نظرات بوخارین آشنا هستید و من یک نمونه جالب تر را می گویم. اگر آثار اندیشمند و اقتصاددان بزرگ ما در آن دوره، الکساندر چاپانف Chajanov را مطالعه کنید می بینید که چه طرح های دمکراتیک و واقعی ارائه داده بود که بر اساس آن خودگردانی دمکراتیک سوسیالیستی (که بر اساس تشکیل تعاونی های تولید گران آزاد بنامی شد) بوجود می آمد.

در مورد تاریخ با زبان آرزو وای کاش سخن گفتن دشوار است. باید مشخص حرف زد. هیچکس نمی داند که اگر این وقایع اتفاق نمی افتاد، چه پیش می آمد. لکن یک نکته روشن است. این لختی و کرحختی که در سوسیالیسم دولتی با پوسته بوروکراتیک - فرماندهی بوجود آمده، ما را مجبور به گذار از راهی طولانی برای پیشبرد اصلاحات دمکراتیک در جامعه مان می کند.

س - وقتی درباره پیروزی بدترین بدیل ممکن

می‌گوئید، باید قبل از هر چیز به مسئله جدی فقدان آزادی‌های سیاسی در دوران حیات لنین فکر کرد. در همان زمان روز الوکزامبورگ صریحاً به این کمیوندا انتقاد کرده بود و در مورد هواقیش هشدار داده بود و یا نویسنده دمکرات روس کارالونکو در نامه‌هایی که برای شخص لنین نوشت، بی‌پرده گفت که با اهدام‌های بی‌رویه و تعطیل مطبوعات نمی‌توان به جامعه‌های آزاد رسید.

ج - پاسخ به این مسائل ساده نیست. شاید در نگاه نخستین، لنین در تعطیل مطبوعات مخالف و تبصیر رهبران مخالف و روشنفکران و اقداماتی از این دست، محق به نظر نیاید. از نقطه نظر اصول و پرنسپ‌های دمکراسی مسئله روشن است و چنین محدودیت‌هایی نادرست است. اما حقیقت هم همیشه مشخص است. از یاد نبریم که این تصمیم در بجهت خشن‌ترین درگیری‌های طبقاتی اتخاذ می‌شد. جنگ بر سر مرگ و زندگی بود و جامعه کاملاً قطعی شده در شرایط درگیری حاد انقلاب و ضدانقلاب، چنین محدودیت‌هایی قابل توضیح و اجتناب ناپذیرند. اما نکته مهم در جای دیگری است: یعنی تعیین حد و مرز و زمان برای این محدودیت‌ها، بشماره‌هایی که به آن اشاره می‌کنیم، آنچنانکه زمان بعدتر نشان داد، کاملاً واقعی و به جا بودند. من معتقدم که اصل موضوع در این بود که نباید این تدابیر موقت به شیوه‌های ثابت تبدیل میشدند. یعنی به بیان دقیق‌تر باید آن مرزی را تعیین کرد که "جنگ داخلی" می‌بایست به "صلح داخلی" تبدیل می‌شد.

به تاریخ که مراجعه می‌کنیم برای ما این مرز با گذر به سوی تب (سیاست اقتصادی نوین) تعیین می‌شود. لنین درست عمل کرد و چرخش به سوی راستی نوین را مشخص نمود. او می‌دید که از دعای بورکراتیسم در حال رشد است و چرخش قاطعانه به سوی دمکراتیزه کردن جامعه در هر عرصه‌های مختلف ضرورت مبرم دارد. ما باید این چرخش را در مرز سال‌های ۲۵ - ۱۹۲۴ سرمت می‌بخشیدیم و صلح داخلی را مستقر می‌کردیم. در حالیکه روندی کاملاً معکوس پیش رفت و به جای استقرار صلح داخلی، شرایط جنگ داخلی تثبیت شد. هر لحظه به دنبال دشمن گشتن ادامه یافت و درست همین داستان بود که در ادامه خود به تشییقات و سرکوب‌های خونین و گسترده در سال‌های دهه ۳۰ منجر شد. کسانی که در مقابل این چرخش حیاتی و مبرم برای جامعه ایستادند، کسانی بودند که برای جاودانه ساختن قدرت خویش تلاش میکردند.

س - به عقب‌تر اگر برگردیم یعنی باز هم به ۱۹۱۷ می‌بایست که منشویک‌ها اساساً با شعار انقلاب سوسیالیستی در روسیه آن دوره موافقت نداشتند و چنین شعاری را از سوی بلشویک‌ها آوانتوریستی تلقی می‌کردند. اساس استدلال آنها هم این بود که هنوز پختگی کامل در جامعه‌ای که تحولات بورژوا - دمکراتیک را از سرگذرانده، برای انقلاب سوسیالیستی وجود ندارد.

ج - پیش از آنکه تفاوت را در مورد نظر منشویک‌ها در آن دوران بگویم، می‌خواهم تصریح کنم که من منشویک‌ها را نه نمایندگان یک جریان خرد شده بورژوازی، بلکه بخشی از جنبش کارگری روسیه می‌دانم. آنها منافع بخشی از طبقه کارگر و دمکراتیسم اجتماعی را منعکس می‌کردند. تاریخ انقلاب روس را باید از زاویه روابط متقابل منشویک‌ها و بلشویک‌ها بررسی کرد و تاریخ حزب ما را در این جنبه باید باز نویسی کرد.

منشویک‌ها دچار بیماری تئوری زدگی بودند و غالب سیاست‌هاشان پیش از آنکه با شرایط مشخص تاریخی تنظیم شود، از فرمول‌های مجرد تئوریک ناشی می‌شد. با پای بندی به فرمول‌های کتابی، سوسیال‌دمکرات‌های روس باید منتظر می‌شدند تا شرایط نضج یابد و وقتی تضمین ۱۰۰ درصد وجود آمد، آن وقت عمل می‌کردند. اما این تئوری زدگی، حزب سیاسی را از دنیای واقعیات جدا می‌کند. یک لحظه پیش خودتان تصور کنید که آیا اگر بلشویک‌ها نبودند، انقلاب اکتبر رخ نمی‌داد؟ آخر بلشویک‌ها فقط از شرایط عینی و نضج یافته انقلابی استفاده کردند. اگر فرض را بر این بگذاریم که حزب بلشویک وجود نداشت، اوضاع ترازیک‌تری بوجود می‌آمد. یعنی انفجار اجتناب ناپذیر سیاسی، آتارشی و وحشیگری غیر قابل کنترلی منجر میشد. بلشویک‌ها در شرایط مشخص عمل کردند، لذا باید نظریه مارکسیستی را بر اوضاع واقعی تطبیق می‌دادند. صادقانه بگویم آنها بر موج انقلابی سوار شدند. البته ما هم مقصر بوده‌ایم که در کتاب‌های تاریخ‌مان نوشته‌ایم که بلشویک‌ها از قبل بمدد چیز تاریخی می‌بودند و برای آنها برنامه داشتند. حال آنکه واقعیت چنین نبود. همه جنبش لنین شناخت و واقعیت روز و تطبیق تئوری با لحظه عمل بود. انقلابی داشت اتفاق می‌افتاد، آیا باید از آن کناره می‌گرفتند؟ اما مسئله چنانچه اشاره کردم در سال‌های بعد بود که زو نوباید کنترل میشد. بنابراین بلشویک‌ها پیروز شدند و رخنه‌ای در راستای ایجاد سوسیالیسم ایجاد کردند ولی بعدتر نتوانستند به کنترل حوادث موفق شوند.

لنین با "تب" می‌خواست این کار را بکنند موفق نشد و به همین دلیل رژیم اداری - فرماندگی غلبه یافت و ما را به چنین بن بست کشاند. س - پیش‌بینی‌تان برای آینده پرسترویکا و اتحاد شوروی چیست؟

ج - ۲۰-۱۵ سال برای رژیم‌های دمکراتیک زمان لازم است تا زیر ساخت "اتحادیه تولیدکنندگان آزاد" را بوجود آوریم. زیرا این امر تنها بر پایه روابط "تصادد بازار" در سطحی بالا ممکن است. البته این دوره، دوره بسیار دشواری است. ممکن است که عقب‌گرد، اوضاع بحرانی و حتی جنبش‌های تحقیرایی هم بوجود آید. ولی اگر موفق شویم، نوزایی سوسیالیسم را در مرحله‌ای بالاتر از حلقه تکامل‌شا هد خواهیم بود.

تئولیرال جای ما البته موضع دیگری دارند. آنها از ارزش‌های سوسیالیستی استنکاف کرده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که آرمان سوسیالیسم به بن بست رسیده است. با احترام به نظرات آنها، من اعتقاد دیگری دارم. فکر می‌کنم که بحران سوسیالیسم، پدیده‌ای است موقتی، و رشکستگی رژیم اداری - فرماندگی را نباید با شکست سوسیالیسم یکی گرفت. تئولیرالیستها در همین حال روی روانشناسی اجتماعی مردم در کشور ماحاسب نمی‌کنند. هفتاددهه تاریخ شوروی، رد پای عمیقی در شیوه زندگی و روان مردم برجای نهاده و آنها را به ارزش‌های سوسیالیستی عادت داده است. همین امروز ما در پیشبرد اصلاحات قدم به قدم با چنین روحیه‌ای برخورد داریم.

س - اما در میان کسانی که به ارزش‌های سوسیالیستی باور دارند نیز ارزیابی‌های مختلف و راه‌های گوناگون پیشرفت مورد بحث جدی است. شما این نظرات را چگونه دسته‌بندی می‌کنید؟ ج - امروز ۲ خط اصلی در درک از سوسیالیسم موجود است. خط نخست می‌خواهد که جهان سوسیالیسم دولتی را مدنیزه کند و از به قول خودشان تحریفات فنانتیک‌اش پاکسازی نماید. خط دیگر، اصلاح طلبان دمکرات هستند که تلاش برای رسیدن به سوسیالیسم در مرحله‌ای بالاتر دارند و معتقد به بهره‌گیری از همه دستاوردهای تمدن بشری هستند.

امروزه مهم‌ترین نکته در مرز بندی این ۲ خط، نوع رابطه با "تصادد بازار" است. اما ابتدا ببینیم که چرا بازار ضروری است؟ زیرا که این تنها ابزار موجود بشریت برای مقایسه و تنظیم کار معترف شده باینجا مردم است. اگر کالایی تولید شود که مورد نیاز مردم نیست، وقتی به بازار برسد، خریدار ندارد. بدون سیستم بازار به هیچ ترتیبی نمی‌توان فهمید که جامعه به چه چیزی احتیاج دارد. دو به چه چیزی احتیاج ندارد. سوسیالیسم دولتی (که همه چیز را از بالا تنظیم می‌کند)، اگر به طور نسبی برای جامعه ساده و در آغاز پیروسه مدنیزه شدن موجه و قابل قبول باشد، در جامعه پیچیده، دیگر کاربردی ندارد و همه تنظیم‌کننده‌های از بالا فقط به کمبود اقتصادی دامن می‌زنند. طرفداران سوسیالیسم دولتی - که برای نوسازی این سیستم تلاش می‌کنند، می‌گویند که برای بازار، آلترناتیو وجود دارد و این ایده اتوپیا را تبلیغ می‌کنند که گویا می‌توان از یک مرکز سیرتیک و با کمک کامپیوتر، با دقت تمام نیازهای مردم را محاسبه و مطابق آن تولید کرد. ولی چنین امری اساساً غیر ممکن است. به این دلیل که: اولاً - اقلام مورد نیاز جامعه امروز خیلی فراوان است و برای مردم مختلف، تفاوت می‌کند. ثانیاً - سیستم مصرف اجتماعی، در حال تحول دائمی است و در طول زمان مداوماً تکامل می‌یابد یعنی کالایی که امروز نیاز بود، فردا نیست و جای آن را اقلام دیگری گرفته است.

من فکر می‌کنم که مکانیزم‌های تنظیم‌کننده‌های اجتماعی که استخوانبندی سوسیالیسم را تشکیل می‌دهد، باید از دل اتحادیه تولیدکنندگان آزاد رشد کند و بیرون بیاید و بر پایه تکامل روابط بازار شکل بگیرد. انکار نمی‌کنم که ممکن است در آینده دور، تنظیم‌کننده‌های غیر بازار هم پدیدار شوند و بتوانند تعادل میان عرضه و تقاضا را برقرار کنند. لکن همین‌جا هم تنها بر پایه تکامل روابط بازار بوجود خواهد آمد و نه از طریق امحاء یا ترمز کردن آن.

طرفداران نظریه سوسیالیسم دولتی خیلی "ساده" چنین استدلال می‌کنند: باید قدرت دولتی را در دست گرفت و از آن برای توزیع عادلانه تمامی نعمات تولید شده در جامعه استفاده کرد. ولی بر اساس تجربه تاریخ، تکرار این حرف‌ها دیگر فقط فریبکاری است. همه سوسیالیسم دولتی در جوامع رشد یافته صنعتی قطعاً به سر رسیده است. اکنون به نظریه نوینی درباره سوسیالیسم نیاز است. اما رسیدن به چنین نظریه‌ای هم به‌واقع بسیار پیچیده است و امروزه نکات حل‌ناشده بسیاری در آن موجود است. آنچه پاک‌رفتن و زایش این نظریه را دشوارتر میکند، بحران سوسیالیسم است که مبتلا به تمامی نیروهای چپ و از جمله سوسیال‌دمکرات‌هاست. برون رفت از این

بحران و تدوین نظریه نوین به سال‌های زیادی احتیاج دارد، ممکن است که چنین امری در قرن ۲۱ عملی شود.

اما آرمان سوسیالیسم ریشه‌هایی در تکامل اجتماعی و طبیعت بشری - یعنی تلاش خستگی‌ناپذیر او برای عدالت اجتماعی، دارد. تردید ندارم که هلیرفم دشواری‌های امروز، این ایده پیش‌برنده آینده بشریت است.

س - در کنار مشکلات اقتصادی ناشی از مرحله گذار، مسئله ملی یکی از دردناک‌ترین معضلات جامعه شوروی در مرحله کنونی است. چرا امروز مسئله این قدر بفرج شده و چگونه می‌توان از راه‌های صلح‌آمیز به حل آن اقدام کرد؟

ج - سیاست ملی در اتحاد شوروی از فرمولبندی مارکسیستی مبنی بر نزدیکی ملت‌ها، ناشی می‌شده است. به لحاظ عمومی و تئوریک این فرمول صحیح است و با روند حرکت تاریخ بشری همخوان است. یعنی زمانی که خواهی این روند را محصولا تازانی، به طور خودبخودی پیش خواهد رفت، آنچنان که در اروپای غربی پیش رفته است. لکن خطای مادر آنجا بود که این نزدیکی به شکلی بسیار مصنوعی تسریع شد، طوری که گاهی از اقدام کامل ملت‌ها صحبت می‌شد، یعنی آینده را به زمان حال تعبیر کردیم. تبلیغ می‌کردیم که در جامعه نوین ما خلق شوروی شکل گرفته است. خوب وقتی که پروسه همگرایی را بخواهی با چنین سرمت غیر منطقی با واقعیت پیش بری، لاجرم نتیجه عکس حاصل می‌شود. به این ترتیب بود که تضادها به شکل پنجانی جمع شد و جمع شد و قیامه‌خشن‌های امروز را به خود گرفت. می‌توان گفت که ما اکنون به نقطه آغاز برگشته‌ایم یعنی به حل مسئله آزادی خلق‌ها و حق حاکمیت آنها. توجه کنید که مسئله ملی در بستر بحران عمومی جامعه، وضع بفرنج‌تری هم بخود گرفته است.

من اعتقاد دارم که راه غلبه بر این تضاد تنها یکی است: آزادی تکامل ملت‌ها از یک سو و ارتباط متقابل و همکاری‌شان از سوی دیگر، که البته راهی است طولانی. اما اینکه رابطه میان جمهوری‌های شوروی در مدت معینی تضعیف شود و یا حتی برخی از آنها از اتحاد شوروی جدا شوند در امر تراژدی تلقی نمی‌کنم. نباید آنها را به غرب زور نهداشت. واقعیت آن است که بالاخره نیاز واقعی به همکاری (قبل از همه در هر صد اقتصادی)، باعث چیرگی نیروهای طرفدار همکاری بر نیروهای گریز از مرکز خواهد شد و اتحاد به شیوه نوین و بر اساس باور متقابل، استقام خواهد یافت. از این نقطه نظر قرارداد ۱۹۴۱ (مرکز به اضافه ۹ جمهوری) را بسیار مهم تلقی می‌کنم، زیرا که امکان واقعی برای عقد قرارداد نوین اتحاد را فراهم کرده است. ما به سوی اتحاد با اشکال جدید پیش خواهیم رفت، خواه اشکال آن هم متفاوت باشد مثلاً اعضای پیوسته یک اتحاد یا اعضای همکاری یا نوعی از تعاون در این یا آن عرصه معین. هر چه هست، من راه دیگری نمی‌بینم و فکر می‌کنم مسئله ملی به آن نحی که منجر می‌شود که در جمهوری‌های ما و ارتقا یافتن اتحاد.

س - در سال‌های نخست پس از شروع پرسترویکا، "مدل سوسیالیسم سوئدی" توسط نظریه پردازان شوروی جدا مورد تحسین بود. اما اکنون این مدل هم دچار بحران جدی است و معمارانش (یعنی سوسیال‌دمکرات‌ها) هم شانس کمی برای پیروزی در انتخابات آینده دارند. در این زمینه چه نظری دارید؟

ج - درست می‌گویید که بحران سوسیالیسم، "مدل سوئدی" آن را هم در بر گرفته است و این هم صحیح است که در کشور ما در سال‌های اخیر در مورد این مدل، فراوان غلو شد. اما واقعیت آن است که سوئدی‌ها حد اکثر موفقیت را در تامین شرایط سوسیالیستی در چارچوب توزیع درآمد ملی توسط دولت مرکزی حاصل کرده‌اند. آنها موفق به تامین یک سیستم بسیار عالی تامین اجتماعی شده‌اند. هملا زندگی بر سوئدی، توسط جامعه در سطحی بالا تامین می‌شود. لکن آنجا هم مرزهای تاریخی دخالت دولت، خود را نشان داد. نقض این مرز، باعث خفه‌کردن ابتکارات، فعالیت‌ها، تحرک و خودگردانی در جامعه شده است. همان مکانیزمی که توزیع درآمد ملی را سازمان می‌دهد، دچار بیماری بورکراتیسم شده است. و از همین جاست که حالا سرو کله تئولیرالیسم پدیدار شده است. تکنولوژی در سطح بالا، آزادی فرد، موسسات و تولیدگران را در سطحی بالا طلب می‌کند. تنظیم‌کننده‌های سخت دولتی و انواع مختلف محدودیت‌ها (و از آن جمله توسط مالیات‌های سنگین) انگیزه رشد را از میان برده و موثریت اقتصادی را ترمز کرده است. به علاوه نظریه نوین سوسیالیسم، فقط می‌تواند در سطح تمام جهان طرح شود و تحت پذیرد. سوسیالیسم را نمی‌توان در مرزهای یک کشور محدود کرد. این امر، پروسه‌ای است جهانی و در جهان به هم پیوسته پیش خواهد رفت. در حالیکه در سوئد (درست نظیر تجربه ما) مدل‌شان را در یک

کشور ساخته‌اند. از آنجایی که امروزه در شرایط ایزولاسیون دیگر نمی‌شود پیش رفت، رشد و تکامل بازار مشترک اروپا آنان را در شرایط دشواری قرار داد. طوری که بالاخره مجبور شدند که تقاضای عضویت در این بازار را بکنند.

تجربه سوئد، باز هم نشان می‌دهد که سوسیالیسم دولتی در کشورهای صنعتی پیشرفته، هم خود را به پایان برده است. مدل سوئدی هم مدلی دولتی است، با ویژگی‌های خود که اساسش بر تنظیم توزیع درآمد ملی توسط دولت نهاده شده است. اگر چه مالکیت و سایر تولید در دست بخش خصوصی است.

س - شما در نوشته‌هایتان به موفقیت "کنسرواتیسم نوین" در سال‌های اخیر اشارات مکرر داشته‌اید. حال آنکه این مدل نیز دست کم در یکی از زادگاه‌هایش (یعنی انگلیس)، با بحران جدی مواجه است که نشانه‌های آخر آن سقوط دولت مارگارت تاچر (یکی از نمایندگان برجسته این مدل) بود.

ج - واقعیت آن است که کنسرواتیسم، بیش از پیش تضادهای درونی خود را به نمایش می‌گذارد و به پایداری خود لطمه می‌زند. لکن من بر آنم که هنوز زود است که از پایان نفوذ آن سخنی به میان آید. این دکتربین، خود را به قرن ۲۱ هم خواهد رساند و در پرتو انعطاف و انطباق‌پذیری‌اش با شرایط، قطعاً در سال‌های ۹۰ دوام خواهد آورد.

از یاد نبریم که کنسرواتیسم هیچ‌جا از دخالت دولت در اقتصاد دست برداشته اگر چه در ابتدای امر چنین دعوی داشت و هیچ کجا سیستم تامین اجتماعی را به طور کامل از بین نبرد، اثر چه در آغاز چنین فراخوانی میداد. درست است که واقیعت با آنها اجازه چنین کاری را نداد ولی آنان نیز با انعطاف با واقیعت بر خود کمر زدند. در همین حال من فکر می‌کنم که اوضاع کشورهای اروپای شرقی، جان تازه‌ای به این دکتربین می‌دهد. زیرا که دستورالعمل‌هایش برای شیردولتی کردن اقتصاد کاربرد جدی پیدا می‌کند.

س - پس از جنگ خلیج فارس بسیاری از روشنفکران جهان سوم با نگرانی سوال می‌کنند که آیا در جهان دو قطبی اوضاع بهتری نسبت به این جهان یک قطبی امروزین برای ما وجود نداشت؟ در مقابل این نگرانی چه عقیده‌ای دارید؟

ج - جهان دو قطبی (به معنای رودرروئی شرق و غرب) دیگر از بین رفته است. تضاد در این عرصه از میان بر داشته شده و در عوض راه همکاری و ارتباط متقابل گشوده شده است. من این امر را یک دستاورد تلقی می‌کنم و در مجموع پیشرفتی مثبت در کار جهان معاصر. یکی از بزرگترین خدمات "نگار باجف"، باز کردن تخمین گره‌ها بود.

و اما نگرانی که به آن اشاره می‌کنید، واقعی است. این دسته از روشنفکران از این هر اس دارند که ایالات متحده آمریکا اراده خویش را بر همه خلق‌ها دیکته کند. من گمان می‌کنم که از بین رفتن وضعیت دو قطبی جهان (که سال‌های سال آن را در حال تشنج نگهداشته بود)، به هیچ وجه به معنای محدود نشدن هر مونی ایالات متحده نیست. به این دلایل که:

اولاً - از میان رفتن تضاد مورد بحث، به معنای یکی شدن مواضع ایالات متحده و اتحاد شوروی نیست. تفکر نوین سیاسی، یافتن بنیادجایی برای همکاری همه کشورهای جهان است. گام برداشتن به سوی آن چنان نظم نوین جهانی است که نه بر اساس تعادل نیروها، بلکه بر اساس تعادل مواضع وجود می‌آید. و همه اینجا معنایش محدود کردن امکان هر کشور مجزا برای دیکته کردن اراده خویش بر سایر اعضای جامعه جهانی است. هر جا که ایالات متحده آماده پذیرش این اصول نباشد، اتحاد شوروی با آن فاصله خواهد گرفت. این امر در درگیری‌های خلیج فارس هم اتفاق افتاد. به گمان من، تلاش خلق‌ها برای استقرار نظم نوین جهانی در رابطه دولت‌ها، عامل قدرتمندی است که جلوی هر نیرویی که بخواهد از موضع زور و قدرت اهداف خود دخواهاندش عمل کند را می‌گیرد.

ثانیاً - صحیح نیست بگوئیم که به جای جهان دو قطبی، جهان یک قطبی پدیدار شده است. روشن است که اکنون در شرایط تضعیف اتحاد شوروی، نفوذ ایالات متحده بیشتر شده است. ولی مراکز نوین قدرت در جهان به نحو بارزی رشد کرده‌اند. توجه‌ها بیش از پیش به اروپای غربی جلب شده است. درست است که اروپای غربی تضادهای درونی خود را دارد، لکن روند تشکیل یک مرکز مستقل در حال انجام است. امکان ایجاد یک کنفدراسیون اروپایی - که اتحاد شوروی را نیز دربرگیرد - این روند را باز هم بیشتر تقویت خواهد کرد. مرکز دیگری حول ژاپن در حال شکل‌گیری است که کشورهای مناطق آسیا و اقیانوسیه را در بر می‌گیرد. گمان نباید کرد وضع جهان بفرنج‌تر از آن است که بتوان این روندها را در نگاه اول تشخیص داد.

ثالثاً - تفکر نوین سیاسی امروزه به یک نیروی واقعی تبدیل شده است که قدرت مقابله با جوهر تلاشی

کار

جهان معاصر و بغرنجی های تحول آن

برای "آبایی" بر جهان را دارد. اگر پس از جنگ دوم جهانی فقط روشنگرانی تراز اول نظیر انیشتین، راسل و ساخاروف مبلغین این فکر بودند، امروزه انکار عمومی جهان پشتیبان این اندیشه است. اکثریت قریب به اتفاق رهبران سیاسی ایالات متحده هم خوب می دانند که در دنیای امروز، آمریکا نمی تواند نقش "ژاندارم جهانی" را بازی کند. امروزه حال و فضای سیاست در جهان چیز دیگری است و نیروی دیگری بر افکار عمومی جهان تاثیر می گذارد. به تمامی این دلایل، امکان گذار از جهان دو قطبی نظم دموکراتیک جهانی کاملاً موجود است.

س - سابق بر این نظریه پردازان اتحاد شوروی مدل سمیگیری سوسیالیستی را برای رشد کشورهای جهان سوم پیشنهاد می کردند. با توجه به تجارب دو دهه اخیر، امروز در مورد راه تکامل و آینده این دسته از کشورهای جهان چگونه می اندیشید و برای تعمیق روز افزون تضاد میان "شمال" و "جنوب" چه آینده ای می بینید؟

ج - سر نوشت کشورهای جهان سوم در شرایط کنونی تمامی بشریت و هر انسان را باید جدا مضطرب و نگران کند. ما درباره تمدن نفاصتی فراوان سخن میگوئیم. اما آخر این نقطه به تعداد معینی از کشورهای رشد یافته مربوط میشود. ما درباره راه مادی صحبت میکنیم. درباره جامعه دوسوم، یعنی جایی که دست کم دوسوم اهالی در راه به سر میبرند و فقط یک سوم از حداقل زندگی برخوردارند. لکن این فقط مربوط به کشورهای اروپای غربی، آمریکا، کانادا و استرالیاست. بقیه اکثریت کشورهای جهان درگیر با فقری وحشتناکند. اختلاف میان کشورهای رشد یافته و در حال رشد دم به دم در حال افزایش است.

راه چاره چیست؟ دو مدل قدیمی یعنی: "مدل رشد غربی" و "راه سمیگیری سوسیالیستی" هیچکدام موثر نبوده اند و دچار ورشکستگی شده اند. مهم تر اینکه هیچکس نمی داند که برای تکامل کشورهای جهان سوم چه راه رشدی را باید پیشنهاد کرد.

یک نکته در این میان روشن است. مسئله بسیار جدی و به تمام جهان مربوط است، یعنی فقط به کشورهای جهان سوم مربوط نیست. برتری ارزش های عموم بشری طرح مسئله جهان سوم را به شکلی جدی در دستور روز قرار داده و آن را به سطح مسائل جهانی کشانده است. برای حل این مسئله، مشارکت تمامی بشریت ضرورت پیدا کرده است. (البته گاه وقتی از برتری منافع عموم بشری بر منافع ملی و طبقاتی بحث میشود، برخی از روشنگران کشورهای جهان سوم به اعتراض به ما می گویند این حرف های شیک کسانی است که شکم شان سیر است. در حالی که مردم در کشورهای ما از گرسنگی در حال تلف شدن هستند و مبارزه طبقاتی به حدتترین

شکل اش مطرح است. ولی واقعیت را که نگاه می کنی، برتری همین منافع عموم بشری است که مسئله جهان سوم را به مسئله ای گلوبال تبدیل کرده است.)

در همین حال مسئله "جنوب"، تنها در همان مناطق محدود نمانده و تضاد به شکلی بلاواسطه در سرزمین کشورهای پیشرفته صنعتی در حال باز تولید است. برای روشن شدن موضوع ۲ مثال ساده می آورم. مثال اول - موج رشدیابنده مهاجرت به کشورهای رشد یافته. این موج در حال افزایش مهاجرین جهان سوم را با هیچ سد و مانع حقوقی، سیاسی و نظامی نمی توان کنترل کرد، حتی اگر دیوار "برلین" تازه ای هم ساخته شود، باز هم گمگی نمی کند. مهاجرت روز افزون نه تنها مسئله اشتغال و بیکاری را در اروپای غربی حاد می کند، بلکه تضادهای اجتماعی و روانی را نیز دامن می زند. یعنی زمینه برای احیا و رشد ناسیونال - فاشیسم ایجاد می کند و ژادپرستی را رشد میدهد.

نمونه دوم - تروریسم است. شرایط فقر و حشمتناک در کشورهای جهان سوم زمینه بسیار مستعدی برای تروریسم بوجود می آورد. تروریسمی که اکنون وجود دارد، تازه از نتایج سحر است. سر بزرگ، هنوز زیر لحاف است. یعنی وقتی که سلاح هسته ای به میان آید، یک لحظه تصور کنید که برای تروریست ها امکان دستیابی به سلاح اتمی و راهب و تحدید همه کشورها با این سلاح مرگبار و غیر قابل کنترل فراهم شود. آنوقت دیگر هیچ سنگی روی سنگ جهان باقی نخواهد ماند، نه به لحاظ اقتصادی و نه سیاسی. توجه کنید که حتی سرمایه داری و انحصارات بزرگ جهان نیز در امنیت جهانی ذینفع اند و این عدم تعادلی که به

دلیل مسئله شمال و جنوب بوجود آمده، منافع بلاواسطه آنها را هم به خطر انداخته است. به تمام این دلایل برای حل مسائل کشورهای جهان سوم، باید تمامی بشریت، امکانات و عقل و شعور خود را به کار گیرد. ممکن است که عدم موفقیت مدل رشد غربی و راه سمیگیری سوسیالیستی به این دلیل بوده که به این کشورها خواسته اند، مدل هایی را تحمیل کنند که به لحاظ تاریخی در زمین دیگری بار داده، اما در این کشورها قدرت باروری نداشته است. ای چه بسا آنها راه های به کلی ویژه رشد خود داشته باشند که با سنن و فرهنگ آنها گره می خورد. بسیاری از اندیشمندان جهان سوم روی همین راه های ویژه متناسب با ارزش های تمدن خودشان تاکید داشته اند. مثلا فرانسیس فانون را بیاد آورید که می گفت، تمدن آفریقایی علیرغم آنکه در تولید نعمات مادی امروز متب مانده ولی در ایجاد هماهنگی و تعادل در شخصیت انسان آفریقا تاثیر بسیار مثبت تری از تمدن قریبه غربی ها دارد.

و آیا اساسا همان راه طولانی که غرب طی کرده برای کشورهای جهان سوم هم گریز ناپذیر است؟ تازه این در شرایطی است که اوضاع محیط زیست در

کرد خاکی ما چنین اجازهای را نمی دهد که متلاجمه کشورهای جهان در مصرف انرژی هم سطح آمریکا عمل کنند.

هر چه هست یافتن راه حل این مسئله بفرنج در شرایط همکاری صلح آمیز میان ملت ها و سیستم همکاری و تعاون بین دول، پیدا خواهد شد. س - در برخی از کشورهای در حال رشد، تجارب مثبتی وجود دارد که میتوان با بررسی و جمع بندی آنها به راه حل مسئله مورد بحث رسید. من برای نمونه به دموکراسی سیاسی در هند اشاره می کنم. ج - قطعاً ضرورت دارد که این تجارب مورد تحقیق و بررسی قرار گیرند. ولی حتی در یکی از این کشورها هم نتیجه ای بدست نیامده که بتوان آن را شاخص ترقی جهان سوم خواند. به نمونه هند هم که در زمینه دموکراسی سیاسی اشاره می کنید، من گمان می کنم که حوادث سال های اخیر در همین نمونه نشان داد که فقر اقتصادی جدی، پایداری سیستم دموکراتیک را زیر هلاکت سوال می برد.

س - عده ای از صاحب نظران و حتی دولت مردان جهان سوم معتقدند که در این کشورها باید در درجه اول رفاه های اقتصادی پیش برود و دموکراسی سیاسی در مراحل بعدی و آن هم گام به گام، قابل پیاده شدن است. استدلال اساسی شان هم این است که با شکوفایی اقتصادی، سطح فرهنگ سیاسی هم بالا خواهد رفت. به عنوان نمونه هم هرچ و هرچ بوجود آمده در اتحاد شوروی پس از پروسترویکا و گلاس نوست را در مقابل رفاه های اقتصادی چین (که در شرایط فقدان دموکراسی، ظاهراً تا حدودی رونق اقتصادی تامین کرده) قرار می دهند.

ج - این بحث تقدم و تاخر رفاه های سیاسی یا اقتصادی در میان ما هم از ۱۹۸۵ به طرز جدی مطرح بوده است. برخی ها می گویند گارباچف خطا کرد. ابتدا باید آرام آرام، اقتصاد بازار را پی می ریخت و پس از آن به دنبال انهدام سیستم اداری - فرماندهی و رفاه های دموکراتیک می رفت. صادقانه بگویم، من به صحت این استدلال لاقول در نمونه کشور خودمان، جدانشد دارم. آیا واقعا ایجاد ساختار بازار با حفظ نظام سیستم حکومتی اداری - فرماندهی عملی بود؟ ممکن است که ما در پیشبرد رفاه های اقتصادی تاخیر داشته ایم، اما مناسب ترین شیوه، تلاش برای ایجاد تناسب میان رفاه های اقتصادی، همزمان با اصلاحات سیاسی است.

س - در همین حال این نظر هم مطرح میشود که مدل غربی اقتصاد بازار و دموکراسی را نمی توان به کشورهای که تفاوت های اساسی (به لحاظ تاریخی، فرهنگ، مذهب و فیره) با اروپا دارند، انطباق داد. ج - در واقع در میان ما هم اکنون برای مدل غربی دموکراسی و اقتصاد بازار تبلیغات فلو آمیزی میشود که ظاهراً خیلی هم جذابیت دارد.

این در حالی است که خود دموکراسی غربی، اکنون به دلیل نارسایی هایش مورد انتقاد جدی است. این سیستم علیرغم همه دستاورد هایش، اکنون دیگر نمی تواند هلاکته انبوه وسیعی از مردم را برای مشارکت فعال در امر سیاست تامین کند.

از سوی دیگر مدل دموکراتیک غربی یک پیشینه تاریخی چندین و چند ساله دار دو یک سنت ریشه دار -

که از رنسانس و نخستین انقلابات بورژوازی شرو شده، پشتوانه آن است. از ویژگی های جا افتاده این سیستم می توان به بازار منظم و اتوماتیک، تأمین

اجتماعی منصفانه، جامعه مدنی نضج یافته، دولت حق و فرهنگ سیاسی در سطح بالا اشاره کرد. ولی هیچیک از اینها امروزه در کشور ما وجود ندارند. آنچه هست از تباطخ نظامی همودی از بالا به پایین سیستم اداری فرماندهی است که همه چیز از مرکز تعیین می شود به بیان دیگر ارتباط افقی - که استخوانبندی جامعه مدنی را تشکیل میدهد - وجود ندارد. وبدون جامعه مدنی، عملکرد دهادی یک دموکراسی پایدار غیر ممکن است. یکی از بزرگترین ضایعاتی که سیستم استبدادی حاکم بر کشورها در سال های پیش بار آورده، کشتن استعداد جامعه برای خودگردانی و خلافت است. این قانون هر رژیم استبدادی است که سرچشمه های رشد و تکامل آزاد را می خشکاند وظیفه ما در این مرحله گذار، احیای انگیزه های نخستین برای ایجاد خودگردانی و تکامل در جامعه است. چنین وظایف بغرنجی در جامعه ای باید پیش برود که بیش از ۱۵۰ ملیت در آن زندگی می کنند، فرهنگ و سنن و رسوم مختلف که اکثر اریشه در تمدن کهن شرقی دارد.

با تمام تفصیلات آیا گذار سریع ما به دموکراسی غربی و اقتصاد بازار ممکن است؟ شما نگاه کنید که

حتی در لهستان - که ملتی واحد هستند، یک مذهب واحد دارند و حکومت جدید هم از پشتیبانی جدی مردم برخوردار است، برای حصول این مقصود با چه درگیری های حاد و توقف های مکرر روبرو میشوند. من به نسخه های لیبرالی و شعار های آتشین برخی از رادیکال های خودمان باور ندارم. بازاری که هی کنترلی در آن وجود نداشته باشد، در شرایط کشور، خیلی سریع تبدیل به "بازاری وحشی و بی کنترل" میشود که تنها نمونه هایش را در نخستین مراحل رشد کشورهای سرمایه داری غرب می توان یافت. نتیجه پیشرفت چنین بازاری در اتحاد شوروی حد تر شدن درگیریهای اجتماعی و نجات نروپاش سیستم اجتماعی با استقرار یک رژیم خشم دیکتاتوری است.

ما در همین اینکه باید با دقت کافی تجارب دموکراسی غرب را بیاموزیم، در همین حال باید کپی برداری یا تقلید مکانیکی جدا جتناب ورزید برنامه دموکراتیزه کردن جامعه ما باید بر اساس واقعیات در کشور خودمان سرچشمه بگیرد. این واقعیات هم بسیار خشن و سرخست هستند. زبان دیگر، دموکراسی ما در میان رنج و درد زای می شود. ما اکنون فقط در حال پی ریزی ز ساخت های دموکراسی هستیم. من پرسترویکار آت یک روند تحول دموکراتیک در اتحاد شوروی می دانم و بر آنم که این روند ۱۵ - ۱۰ سال و حتی بیشتر طول خواهد انجامید. این دوره گذار هم بی پر بگویم - دوران حادث ترین تضادهای اجتماعی خواهد بود. با آرزوی موفقیت برای شما، از فرصتی که اختیار مان قرار دادید، سپاسگزارم.

ترکیه: لغو ممنوعیت سندیکی دیسک

نقض یک ماده قانونی لغو شده محکوم شده اند، با تیرنه شوند محاکمه دسته جمعی ۱۴۷۷ هوسندیکی دیس پس از کودتای نظامی ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۵ آغاز شد و دسامبر ۱۹۸۶ به پایان رسید. ۲۷۲ فعال سندیکی، به زندان های از یک تا ۱۵ سال محکوم شده. محاکمه آهنگی دیسک از پر سر و صداترین محاکمه سیاسی ترکیه بود. دادستان نظامی ترکیه ط مقررات حکومت نظامی برای ۵۲ متجم تقاض اعدام کرده بود. کیفرخواست تنظیم شده با دیسک به سه هزار صفحه بالغ می شد. تنها عبدا باستورک رهبر دیسک طی ۲۱ روز از محاکمه مو بازجویی قرار گرفت.

مذاکرات پیرامون آینده مناطق اشغال فلسطینی های ساکن شرق بیت المقدس شرکت نداشت باشند، موافقت کرده است. این گزارش می افزاید اسرائیل در مورد ترکیب هیات نمایند، فلسطینی ها حق وتو داده خواهد شد. اسرائیل علا بر مخالفت با شرکت فلسطینی های ساکن بیت المقد ذرمذاکرات، گفتگو با ساف را نیز رد می کند و سازمان را "تروریستی" می نامد. بدنبال موافقت سوریه، مصر، اردن و عربستان سعودی با طرح صلح آمریکا، روز ۲۳ ژوئیه لبنان اعلام آمادگی کرد در مذاکرات صلح شرکت کند. بیانیه دولت لبنان آمده است کنفرانس صلح نه عقب نشینی اسرائیل از جنوب لبنان را زیر هلاک سوال قرار دهد.

هالی ترین دادگاه نظامی ترکیه، ممنوعیت "کنفدراسیون سندیکاهای انقلابی کارگری" (دیسک) را لغو کرد. با صدور این حکم، ۲۷۲ عضو این اتحادیه که در زندان به سر می برند، باید آزاد شوند. حکم مزبور روز ۱۶ ژوئیه در پایان یک محاکمه تقریباً پنج ساله تجدیدنظر صادر شد. به گزارش خبرگزاری نیمه رسمی آتانولی، قضات برای تصمیم خود این دلیل را عنوان کردند که پس از لغو ماده "امنیت دولت" در قانون کیفری ترکیه و جایگزین شدن آن با قانون ضد تروریسم، دیگر ممنوعیت فعالیت اتحادیه دیسک که در سال ۱۹۶۷ تاسیس شده است، موضوعیت ندارد. علاوه بر این، اعضای ۲۸ سندیکای عضو اتحادیه دیسک که به هلاکت

فیصل الحسینی و سایر رهبران فلسطینی ساکن مناطق اشغالی و بیت المقدس، روز ۲۱ ژوئیه طی مذاکرات خود با بیکر تاکید کردند ساف تنها نماینده فلسطینی هاست، و بدون شرکت این سازمان و نماینده های از شرق بیت المقدس، مذاکرات امکان پذیر نیست. روز ۲۳ ژوئیه، یک هیات ساف نیز در امان پایتخت اردن موضوع مشابهی گرفت. در مقابل، دان مریدور وزیر دادگستری اسرائیل مدعی شد سراسر بیت المقدس، بخشی از اسرائیل است. شامیر نخست وزیر گفت انتظار دارد ظرف دو ماه مذاکرات اسرائیل با اعراب آغاز شود، اما قبلا باید مسئله نمایندگی فلسطینی ها روشن گردد. رادیو اسرائیل روز ۲۴ ژوئیه گزارش داد آمریکا در طرح خود، با خواست اسرائیل منتهی بر اینکه در مرحله اول

نتایج سفر بیکر به خاورمیانه

تصمیمات مهم و خطیری برای آینده اتخاذ کند. این اظهارات در حالی صورت گرفت که بونت سکو کرانت مشاور امنیت جرج بوش تبا گفته بود آمریکا انتظار دارد پاسخ اسرائیل را ظرف یک هفته دریافت کند. به گفته سکو کرانت، بوش مایل است پیش از دیدار خود با میخائیل گارباچف در روز ۲۹ ژوئیه در نکست وزیر اسرائیل، روز ۲۲ ژوئیه اظهارات مصاحفانه ای درباره امکان تشکیل کنفرانس صلح داشت. وی گفت باید روشن شود که برای کشورهای عرب، به ویژه صلح محمتر از اراضی اشغالی است.

فیصل الحسینی شخصیت فلسطینی که ریاست هیاتی را برعهده داشت که هنگام سفر خاورمیانه ای بیکر با او مذاکره کرد، هشدار داد: "بدون فلسطینی های اهل بیت المقدس، مذاکرات آغاز نخواهد شد." اسرائیل، کل بیت المقدس را متعلق به خود میداند و تاکنون حاضر نشده است شرکت فلسطینی های اهل این شهر را در مذاکرات صلح بپذیرد. روز ۲۴ ژوئیه، بحث درباره نحوه شرکت فلسطینی ها در کنفرانس صلح بالا گرفت. محور بحث، شرکت یا عدم شرکت فلسطینی های ساکن شرق بیت المقدس در گفتگوهاست. فیصل الحسینی تاکید کرد: "بیت المقدس، بخشی از سرزمین های اشغالی است. در این مورد سازش امکان پذیر نیست." وی افزود اگر کنفرانس بدین هلت تشکیل نشود، مسئولیت آن تماماً متوجه اسرائیل خواهد بود.

پتیه از صفحه آخر

این امر می تواند آمادگی اعراب برای مذاکرات را از بین ببرد.

دولت فرانسه نیز از اسرائیل خواست ابتکار صلح ایالات متحده برای خاورمیانه را بپذیرد. در اسرائیل، محافل دولتی و رسانه های گروهی، روز ۲۳ ژوئیه گزارش های کاملاً متفاوتی درباره پاسخ احتمالی این کشور به طرح آمریکا منتشر کردند. در حالیکه مقامات دولتی، درخواست آمریکا مبنی بر ارائه پاسخ اسرائیل ظرف یک هفته را رد کردند، رادیو اسرائیل جزئیات روال برگزاری کنفرانس صلح را برشمرد و افزود در این مورد طی سفر دو روزه بیکر به اسرائیل، توافق حاصل شده است.

به گزارش رادیو اسرائیل، در اجلاس افتتاحیه کنفرانس، وزرای خارجه آمریکا، شوروی، اسرائیل، سوریه، لبنان، اردن، مصر و وزیر خارجه هلند به نمایندگی از سوی جامعه اروپا شرکت خواهند کرد. سپس قرار است مذاکرات در چهار گروه کار ادامه یابد: یک گروه اسرائیلی - سوریه، یک گروه اسرائیلی - اردنی - فلسطینی، یک گروه اسرائیلی - سعودی - کویتی و گروه دیگری که رسیدگی به امور آبرسانی و حفظ محیط زیست را برعهده خواهد داشت. ظاهراً نمایندگی لبنان را نیز سوریه برعهده خواهد گرفت.

علیرغم انتشار این گزارش، بن آهارون مدیر کل دفتر شامیر نخست وزیر اسرائیل اظهار داشت که نباید دچار شتابزدگی شد. وی گفت اسرائیل باید

نیروهای واکنش سریع در ترکیه مستقر می شوند

سربازان ترکیه و آمریکا، نیروهای واکنش سریع در ترکیه مستقر می شوند. این اقدام در پی افزایش تنش‌ها در منطقه خاور میانه صورت گرفته است. مقامات ترکیه اعلام کرده اند که واحدهای واکنش سریع در ترکیه مستقر می شوند. این واحدها در مناطق مختلف ترکیه مستقر می شوند. این اقدام در پی افزایش تنش‌ها در منطقه خاور میانه صورت گرفته است. مقامات ترکیه اعلام کرده اند که واحدهای واکنش سریع در ترکیه مستقر می شوند. این واحدها در مناطق مختلف ترکیه مستقر می شوند.

سربازان ترکیه و آمریکا، نیروهای واکنش سریع در ترکیه مستقر می شوند. این اقدام در پی افزایش تنش‌ها در منطقه خاور میانه صورت گرفته است. مقامات ترکیه اعلام کرده اند که واحدهای واکنش سریع در ترکیه مستقر می شوند. این واحدها در مناطق مختلف ترکیه مستقر می شوند.

آفریقای جنوبی: رسوایی دولت و حزب اینکاتا

سفر کرده بود، نسبت به شکست برنامه دموکراتیزه کردن آفریقای جنوبی هشدار داد. ماندا خواهان استعفای آندسته از اعضای کابینه شد که در ماجرای کمک به اینکاتا دخالت داشته اند. رهبر ای. ان. سی. گفت: "با توجه به مدارک موجود، احتمال دارد روابط ای. ان. سی. و دولت به کلی قطع شود. این امر به کل روند گذار مسالمت آمیز پایان خواهد داد." ماندا وقوع این امر را وابسته به واکنش دولت در قبال رسوایی اخیر دانست.

دو هفته نامه اپوزیسیون آفریقای جنوبی روز ۱۹ ژوئیه گزارشی حاوی اتهامات سنگینی علیه پلیس و ارتش این کشور منتشر کردند. هفته نامه "ویکی میل" خبر داد پلیس آفریقای جنوبی هزینه برگزاری گردمایی های حزب اینکاتا از قبیل زولو را تامین کرده است. رقابت حزب زولو با کنگره ملی آفریقا (ای. ان. سی.) بارها به خونریزی انجامیده است.

نتایج سفر بیکر به خاور میانه

پس از پایان آخرین سفر جیمز بیکر وزیر خارجه آمریکا به خاور میانه، احتمال تشکیل کنفرانس صلح با شرکت اسرائیل و همسایگان عرب این کشور افزایش یافته است. بیکر روز دوشنبه ۲۲ ژوئیه به دنبال دور دوم گفتگوهایش با اسحاق شامیر نخست وزیر اسرائیل در بیت المقدس اظهار داشت که "با امید بسیار" در انتظار دریافت پاسخ اسرائیل طی روزهای آتی است. شامیر به کابینه خود گزارش داد ایالات متحده در صدد است مذاکرات صلح را در اکتبر افتتاح کند. در تونس، سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) اعلام کرد دیگر بر شرکت خود در کنفرانس صلح پانشارمی نمی کند.

اگر چه ششمین سفر بیکر به خاور میانه پس از جنگ خلیج فارس موانع تحقق مذاکرات میان اعراب و اسرائیل را به طور کامل بر طرف نکرد، اما وزیر خارجه آمریکا ارزیابی خوش بینانه ای ارائه داد. وی گفت: "اکنون ما با امید بسیار منتظر پاسخ شامیر نخست وزیر و همکارانش خواهیم ماند." بیکر که پس از گفتگو با شامیر سخن می گفت، اظهار داشت نخست وزیر اسرائیل قول داده است به زودی در مورد طرح صلحی که بیکر قبل از اسرائیل موافقت عمده کشورهای عرب را با آن جلب کرد، موضع بگیرد. "آوی پاستر" مشاور شامیر گفت هنوز ترارهای قطعی گذاشته نشده است اما در روزهای آتی تماس های آمریکا و اسرائیل با هدف "دستیابی به پیشرفت هایی در راه صلح" ادامه خواهد یافت. وی افزود بدین منظور، چهار تن از همکاران بیکر در بیت المقدس خواهند ماند. پاستر خاطر نشان کرد: "هنوز مسائل حل نشده وجود دارد. به این مسائل ظرف روزهای آتی پرداخته خواهد شد." بیکر تاکید کرد در گفتگوهایش با شامیر درباره جزئیات پس دادن مناطق اشغالی از سوی اسرائیل مذاکره نشده است، و افزود: "ایالات متحده درباره مرزها موضعی نگرفته است." بیکر گفت آخرین پیشنهاد اعراب مبنی بر لغو تحریم اقتصادی اسرائیل در صورت چشم پوشی این کشور از ساختن شهرک های جدید در مناطق اشغالی، با استقبال شامیر روبرو نشد. بیکر در مورد واکنش شامیر نسبت به این پیشنهاد گفت: "او از این پیشنهاد به گرمی استقبال نکرد. این توصیف شاید حتی ملایم تر از واقعیت باشد. ما در مورد این مسئله که البته جزئی از روند صلح نیست، اختلاف نظر داریم."

به گزارش رادیو اسرائیل، شامیر پیرامون گفتگوهای خود با بیکر به کابینه اسرائیل گزارش داد که آمریکا "تحولی انقلابی در موضع سوری" در روند صلح خاور میانه می بیند. شامیر افزود بیکر تاکید کرده است همه کشورهای عرب آماده مذاکرات مستقیم با اسرائیل اند.

شامیر تاکید کرد به گفته بیکر، سازمان ملل در کنفرانس صلح منطقه ای تنها در نقش یک ناظر شرکت خواهد کرد. علاوه بر این، کنفرانس مزبور باید تنها اجلاس افتتاحیه مذاکرات مستقیم میان طرفین اختلاف باشد. تنها با موافقت اسرائیل، کنفرانس مزبور دوباره تشکیل جلسه خواهد داد. به گفته شامیر آمریکایی خواهد کنفرانس صلح را در ماه اکتبر سال جاری آغاز کند.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی

روز پنجشنبه ۲۵ ژوئیه پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح. ک. ا. ش.) آغاز به کار کرد. دستور جلسه پلنوم طرح جدید برنامه حزب بود. در این طرح، مبنای سوسیالیسم دموکراتیک برای برنامه جدید حزب فرمول بندی شده است. طرح مزبور با مسئولیت میخائیل گارباچف دبیر کل حزب تدوین گردیده است.

طرح گارباچف روز ۲۳ ژوئیه در یکی از نشریات شوروی به چاپ رسید. در این طرح آمده است ح. ک. ا. ش. به "سوسیالیسم انسانی و دموکراتیک" پایبند است و از اقتصاد بازار طرفداری می کند. در طرح مزبور بسیاری از مبنای اعتقادی قبلی ح. ک. ا. ش. فنی شده و از مارکسیسم - لنینیسم به مثابه یکی از منابع الهام حزب سخن به میان آمده است. طرح، ح. ک. ا. ش. را "حزب آزادی اقتصادی" تعریف می کند، در طرح، نظام اقتصادی مطلوب حزب، تلفیقی از مالکیت دولتی و خصوصی تعریف شده است. طرح پیش بینی می کند که در آینده مزارع دهقان شوروی با مقررات آسان تری به ارث برسند. در طرح آمده است که حزب درهای خود را برای افراد مذهبی نیز می گشاید و از این پس در حزب، فراسیون نهایی حق فعالیت

روز پنجشنبه ۲۵ ژوئیه پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح. ک. ا. ش.) آغاز به کار کرد. دستور جلسه پلنوم طرح جدید برنامه حزب بود. در این طرح، مبنای سوسیالیسم دموکراتیک برای برنامه جدید حزب فرمول بندی شده است. طرح مزبور با مسئولیت میخائیل گارباچف دبیر کل حزب تدوین گردیده است.

اروپا	دیگر نقاط
سه ماهه ۳۲ مارک	۳۹ مارک
شش ماهه ۶۲ مارک	۷۶ مارک
یک ساله ۱۲۰ مارک	۱۵۰ مارک

آدرس کامل (لطفاً خوانابنویسید):

<p>KAR Vol.3 No. 16 Wed 31 JUL 1991</p>	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p>
<p>Address: آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p>	<p>حساب بانکی: M.ABD NR-35263011 کد بانک: 37050198 Stadtsparkasse Köln GERMANY</p>